



تلخیص «انقلاب اسلامی ایران»

تألیف: محمد جواد نوروزی

عنوان اثر

نام استاد ارائه دهنده: -

تاریخ ارائه: -

مکان ارائه: -

تاریخ انتشار: -

شماره: -

تمامی حقوق این اثر، برای سایت

«دانش سیاسی» محفوظ است.

۱. هرگونه استفاده، انتشار، کپی کردن،

اسناد دهی، درج در سایت‌ها و دیگر

وبلاگ‌ها با ذکر نام منبع جایز می‌باشد.

۲. فروش این جزوه، شرعاً حرام می‌باشد.

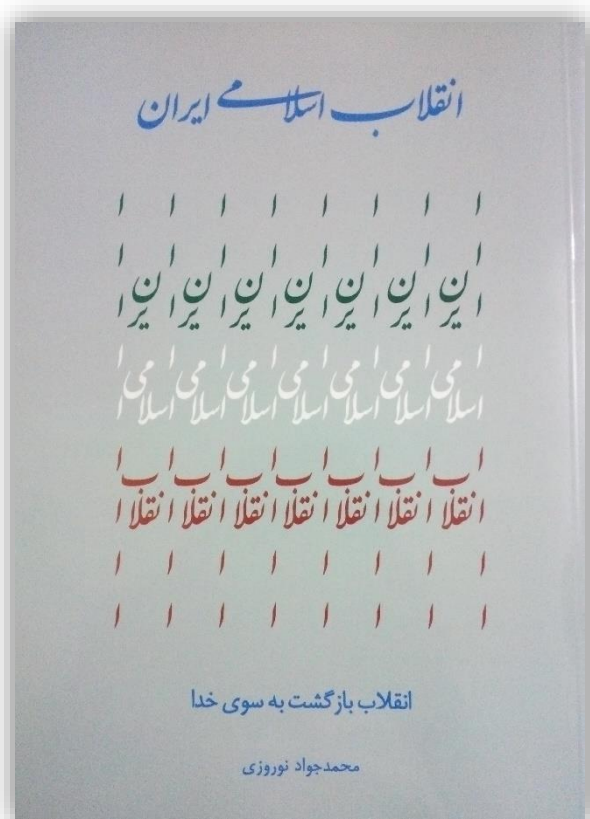
۳. هرگونه تغییر شکل در محتوای ظاهری

جزوه، جایز نمی‌باشد.

politicalknowledge.blog.ir politicalknowledge.ir

فهرست

۲۲	۲. ایدئولوژی رژیم پهلوی	۴	فصل اول: مفاهیم و کلیات
۲۳	۳. حکومت رضاخان	۴	۱. مفهوم انقلاب
۲۴	۴. مروجان سکولاریسم	۴	۲. انقلاب و سایر پدیده‌های اجتماعی
۲۵	۵. اقدامات در جهت تثبیت سکولاریسم	۵	۳. ویژگی‌های انقلاب
۲۷	۶. اندیشه سیاسی	۵	۴. نکته‌ها
۲۹	فصل هفتم: تحولات عصر پهلوی دوم	۶	فصل دوم: نظریه‌های انقلاب
۲۹	۱. سیر تاریخی	۶	۱. نظریه مارکسیستی انقلاب (تدا اسکاچپول)
۳۰	۲. تحولات دهه ۴۰	۶	۲. نظریه لیبرالی انقلاب (منحنی جیمز دیویس)
۳۰	۳. ایدئولوژی	۶	۳. نظریه پست‌مدرن انقلاب (میشل فوکو)
۳۱	۴. جریان شناسی	۷	۴. نقد و ارزیابی
	فصل هشتم: رخداد انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی	۸	فصل سوم: اسلام و انقلاب
۳۴	۱. دوره بی‌ثباتی داخلی	۸	۱. مبانی و مختصات فلسفه سیاسی انقلاب اسلامی (نظریه ولایت فقیه)
۳۷	۲. دوره دفاع مقدس	۸	۲. نشان‌واره‌های عینیت اسلام در انقلاب ایران
۳۷	۳. دوران سازندگی	۱۰	فصل چهارم: جریان شناسی
۳۸	۴. دوره اصلاحات	۱۰	۱. روشنفکری
۳۹	۵. گفتمان عدالت	۱۴	۲. روشنفکری دینی
۴۱	فصل نهم: آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی ایران	۱۵	فصل پنجم: نهضت مشروطه
۴۱	۱. کلیات	۱۵	۱. نهضت تنباکو
۴۲	۲. آسیب‌شناسی	۱۶	۲. زمینه‌های نهضت مشروطه
۴۵	فصل دهم: انقلاب اسلامی و معضلات فراروی آن	۱۷	۳. جریان حوادث
۴۵	۱. رابطه ایران و امریکا	۱۸	۴. جریان شناسی
۴۶	۲. جهانی‌شدن	۱۹	۵. اندیشه سیاسی مشروطه
۴۷	۳. مردمسالاری دینی	۲۰	۶. فرجام مشروطه
۵۰	۴. مسئله خاورمیانه	۲۲	فصل ششم: عصر رضاخان
		۲۲	۱. زمینه‌ها



مشخصات شناسنامه‌ای کتاب:

محمدجواد نوروزی، *انقلاب اسلامی ایران: انقلاب بازگشت به سوی خدا* (قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، ۱۳۹۲)

فصل اول: مفاهیم و کلیات

۱. مفهوم انقلاب

انقلاب اجتماعی: دگرگونی و تغییر اجتماعی

گونه‌های انقلاب:

۱. تصادفی و جبری یا ارادی: جنگ، خشک‌سالی، جمعیت ناهمگون

۲. مسالمت‌آمیز یا همراه با خشونت

۳. روبه‌رشد یا ارتجاعی

۴. عمیق یا سطحی

تعریف شهید مطهری: طغیان یا عصیان مردم یک ناحیه یا یک سرزمین علیه نظم حاکم برای ایجاد نظمی مطلوب

۲. انقلاب و سایر پدیده‌های اجتماعی

۱. انقلاب و کودتا:

- کودتا از بالا به پایین است
- مردم نقشی ندارند و منافع‌شان تأمین نمی‌شود
- لایشرط است نسبت به خشونت
- دگرگونی بنیادین ندارد

۲. انقلاب و اصلاح:

- اصلاح، تغییرات جزئی و مسالمت‌آمیز است
- باتوجه به مبانی ارزشی باید اصلاح را تعریف کرد
- تغییرات در چهارچوب نظام حاکم است
- مشارکت مردمی ضروری نیست

نکته: از دیدگاه اسلامی، انقلاب و اصلاح در مقابل یکدیگر نیستند، بلکه انقلاب یکی از شیوه‌های اصلاح است.

اصلاح، تغییرات دفعی و انقلابی را نیز شامل می‌شود.

۳. انقلاب و شورش:

- شورش، دگرگونی بنیادین نیست، بلکه در اعتراض به یک حادثه یا سیاست خاص نظام حاکم است
- ایدئولوژی و آرمان ندارد

۳. ویژگی‌های انقلاب

۱. استحاله ارزش‌ها: زوال یک اندیشه سیاسی و ظهور یک اندیشه سیاسی جدید.
۲. تغییر ساختار: تحول بنیادین در زمینه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی.
۳. تغییر نخبگان: لازمه دو ویژگی قبلی است.
۴. خشونت‌آمیز بودن: انقلاب، نسبت به خشونت لایشرط است، اما تاکنون همه انقلاب‌ها همراه با خشونت بودند.
۵. مردمی بودن: ویژگی اصلی انقلاب است و آن در صورتی است که منافع اکثریت مردم تأمین نشده باشد.

۴. نکته‌ها

۱. برخی انقلاب‌ها علاوه بر تأثیرات داخلی، ابعاد جهانی پیدا می‌کنند و در تمدن بشری منشأ تحولات می‌شوند و شعار صدور را سر می‌دهند؛ در مقابل برخی انقلاب‌ها حداقلی هستند.
۲. مفهوم منفی انقلاب ← اندیشه مدرنیته که مبتنی بر حفظ وضع موجود است و انقلاب را بیماری می‌دانند.
- مفهوم مثبت انقلاب ← اندیشه اسلامی و در صورتی که انقلاب در جهت حاکمیت ارزش‌ها باشد.

فصل دوم: نظریه‌های انقلاب

۱. نظریه مارکسیستی انقلاب (تدا اسکاچپول)

- عامل انقلاب: ساختار ویژه‌ای که همزمان با انقلاب وجود دارد و آن عبارت است از:
 - ۱) عامل ساختاری ناتوانی و ناکارآمدی دولت
 - ۲) شرایط بین‌المللی
 - ۳) تضاد ناشی از ساختار همگانی بین طبقات اجتماعی - اقتصادی کشور
- وی، عامل انقلاب ایران را تلاش برای مدرنیزه کردن جامعه ایران می‌داند و چون ساختارگرا بود و در ساختارگرایی با ایدئولوژی کاری ندارند، از وقوع انقلاب ایران دچار شگفتی شده بود، زیرا نقش رهبری ایدئولوژیک در آن برجسته بود.
- وی، انقلاب را تنها در جوامع دیوان‌سالار کشوری قابل تحقق می‌داند، اما با توجه به انقلاب ایران، دولت‌های تحصیل‌دار (رانتینر) را نیز به آن اضافه کرد.
- طبق نظریه وی، طغیان طبقات پائین جامعه مانند کشاورزان و روستائیان عامل انقلاب است در حالی که در انقلاب ایران طبقات توسط شهری عامل انقلاب بودند.

۲. نظریه لیبرالی انقلاب (منحنی جیمز دیویس)

- انقلاب‌ها پس از یک دوره رشد اقتصادی و سپس رکود اقتصادی پدید می‌آیند. انقلاب در شرایطی که سطح انتظارات مردم بالا رفته است، پدید می‌آیند نه در شرایط فقر اقتصادی.

۳. نظریه پست‌مدرن انقلاب (میشل فوکو)

- انقلاب ایران، خارج از ساختارهای مدرنیته رخ داد.
- وی، قدرت را مقوله‌ای می‌داند که از پائین به بالا اعمال می‌شود و انقلاب ایران را در همین راستا توجیه می‌کند.
- دو عامل اصلی انقلاب‌ها در انقلاب ایران یافت نمی‌شود:

- (۱) مبارزه طبقاتی و حزبی
- (۲) عوامل اقتصادی (ایران زمان شاه، وضع بد اقتصادی نداشت)
- علت اصلی انقلاب ایران، نفی رژیم شاه بود که دو عامل داشت:
 - (۱) فساد مالی دربار
 - (۲) تمایل به برقراری حکومت اسلامی
- نقش فرهنگ مذهبی در هویت‌بخشی به مردم و طبقات اجتماعی را مورد توجه قرار می‌دهد.

۴. نقد و ارزیابی

- (۱) نادیده گرفتن نقش مذهب شیعه
- (۲) نادیده گرفتن اختیار انسان؛ در تئوری‌های غربی نقش ویژه‌ای برای نهادهای سیاسی و اقتصادی مانند احزاب قائل می‌شوند.
- (۳) تفسیر غلط از تاریخ: تاریخ یک حرکت نامتناهی است، نه خطی، فتری، دایره‌ای.
- (۴) نادیده گرفتن عوامل فرهنگی
- (۵) فقدان تحلیل جامع از سوی غربی‌ها (هر تئوری به برخی عوامل اشاره می‌کند)

فصل سوم: اسلام و انقلاب

۱. مبانی و مختصات فلسفه سیاسی انقلاب اسلامی (نظریه ولایت فقیه)

الف. مبانی

۱. خدامحوری: حاکمیت در جامعه یا الهی است یا طاغوتی.
۲. انسان شناسی ویژه: انسان، عامل تحولات اجتماعی است؛ پس با تحول و تکامل درونی انسان می توان به انقلاب اجتماعی دست یازید.
۳. معادمحوری: نقش تسهیل کننده مبارزات را دارد.
۴. نبوت و امامت محوری: ولایت فقیه، تداوم مرجعیت سیاسی و اجتماعی انبیاء و ائمه (علیهم السلام) است.

ب. ویژگی ها و مختصات

۱. پیوند دین و سیاست
۲. ضرورت حکومت: قیام فقها برای تشکیل حکومت واجب است یا افراداً یا مجموعاً، زیرا اساساً اسلام چیزی جز حکومت نیست.
۳. حاکمیت الهی: حق حاکمیت از آن خداوند است و تنها ایشان صلاحیت وضع قانون و نصب و تعیین مجری را دارد.
۴. مشروعیت: مشروعیت، یعنی توجیه عقلانی اعمال حکومت حاکمان و اطاعت شهروندان. حکومت از آن خداوند است. انقلاب، نتیجه چالش دو ملاک مشروعیت الهی و مردمی است.
۵. مجری و حاکم، فقیه است: که توانایی کشف و استنباط قانون را دارد.

۲. نشان واره های عینیت اسلام در انقلاب ایران

۱. واکنش به اسلام زدایی رژیم گذشته (باستان گرایی، تضعیف ایمان دینی، غرب زدگی)
۲. رهبری این حرکت بر عهده یک فرد مذهبی است: افراد مذهبی در سه سطح قرار دارند:
 - ا. تولیدکننده اندیشه انقلاب
 - ب. انتشاردهندگان فکر انقلاب

ج. مصرف‌کنندگان اندیشه انقلاب

۳. نقش مسجد

۴. نمادهای اسلامی: مانند تاسوعا، عاشورا، کربلا

۵. ایثار و شهادت‌طلبی

۶. شعارهای انقلاب که شعارهای اسلامی هستند.

فصل چهارم: جریان شناسی

۱. روشن فکری

تعریف: فرآیندی که هرگونه تفسیر و حیانی از هستی را رد می کند و تنها تکیه بر عقل مادی و ابزاری دارد و مبتنی بر ویژگی هایی^۱ است که محصول دوران مدرن است.

خاستگاه روشن فکری

مدرنیته ره آورد تحولاتی است که پس از رنسانس در اروپا رخ داد و رگه هایی از آن در یونان باستان نیز قابل مشاهده بوده است.

۱. رنسانس: نمود نخستین آن بر زبان شاعران و نقاشان و مهندسانی مانند داوینچی، میکلائو، مونتینی، اراسموس مشاهده شد.

۲. نهضت اصلاح دینی: تأکید بر کاهش نقش اجتماعی و سیاسی دین به وسیله آموزه های لوتر و کالوین. عوامل مؤثر این نهضت بر پیشبرد مدرنیته عبارت بود از: اصل خودکشی و اخلاق فردی، تفکیک دین از سیاست، تفسیر ویژه از زهد، نسبت میان دنیا و آخرت.

۱. این ویژگی ها عبارت اند از:

- دانش تجربی (علم مداری)
- فناوری های ماشینی نو (ماشینیسیم)
- شیوه های نو در تولید صنعتی
- بالا رفتن سطح زندگی مادی
- سرمایه داری و بازار آزاد (لیبرالیسم اقتصادی)
- مردم سالاری لیبرال
- فرهنگ دنیوی (سکولاریسم)
- فردگرایی و حرمت به فرد و تفرد
- عقل گرایی
- انسان گرایی (اومانیسیم)

۳. اکتشافات جغرافیایی و در نتیجه جامعه باز: انتقال فرهنگ اسلام و شرق به اروپا در جنگ‌های صلیبی که مهم‌ترین آن اندیشه تفکیک قوا در جهت تمرکززدایی از قدرت بود. موارد: تأسیس کتابخانه، ترویج کشاورزی، استخراج معادن، اختراع وسائل جدید مانند ساعت و قطب‌نما. این امور سبب پیدایش ایده‌های جدید در باب ارتباط حاکمان و مردمان شد و سخن از حقوق مردم به میان آمد؛ مهم‌ترین اندیشه تأثیرگذار «تفکیک قوا» بود.
۴. جامعه صنعتی، فن‌گرایی: ویژگی این فناوری جدید سلطه بر طبیعت بود که موجب شکل‌گیری طبقه بورژوا شد که ثروت فراوانی داشت و خواهان ایفای نقش بیشتر در اداره امور جامعه بودند، عدم تابعیت دولت از کلیسا پس از جنگ‌های سی‌ساله، جنگ‌های مذهبی ۳۰ ساله و شکل‌گیری جامعه سکولار.^۲

ویژگی‌های مدرنیته

۱. سکولاریسم: سرچشمه آن در تعالیم مسیحیت تحریف شده وجود داشت. سکولاریسم در لغت به معنای ناسوتی، بشری، زمینی، عرفی آمده است و در اصطلاح تعاریف مختلفی وجود دارد:
- أ. تعاریف ناظر به نتایج و مقاصد: مانند تعریف به رهایی از جزمیت کلیسا، تفکیک دین و سیاست
- ب. تعاریف ناظر به مقومات و مبانی فکری: رفعت سعید — نویسنده عرب‌زبان — مبانی سکولاریسم را برمی‌شمرد:
- جدایی دین از سیاست
 - قوم‌گرایی و طایفه‌گرایی سیاسی
 - مساوات میان افراد ملت بدون لحاظ وابستگی دینی و مذهبی
 - تساوی زن و مرد در احوال شخصیه
 - جامعه، منشأ قانون‌گذاری است
 - جامعه، منشأ مشروعیت حکومت است
- ج. تعاریف ناظر به سکولاریزاسیون و شیوه شکل‌گیری سکولاریسم: یک سلسله تدابیر قانونی و نظام‌مند که در یک دوره طولانی از دخالت رهبران دینی در اداره امور جامعه جلوگیری کرد.
- د. تحقیق: این واژه دارای معانی تشکیکی است و یک طرف آن الحاد و طرف دیگر آن جدایی دین از سیاست است و می‌تواند دو معنای خشن و ملایم داشته باشد (مارکسیسم، نمونه خشن آن است که دین را افیون توده‌ها می‌دانست)
۲. اومانیسم: تأکید بر عقل بشری و جداکردن از امور قدسی (قطع رابطه انسان با خدا)؛ عقل توان حل منازعات و همه مسائل بشری را دارد؛ اعتبار دین هم با علم بشری باید مورد ملاحظه قرار گیرد.

۲. جنگ‌های سی‌ساله مذهبی دارای دو اثر بودند:

- استقلال سیاسی شاه‌زادگان
- پذیرفته شدن آزادی مذهبی

۳. آزادی (لیبرالیسم): آزادی اندیشه و فرهنگی به معنای این که شخص هر عقیده‌ای می‌تواند داشت باشد؛ هرکس به بخشی از حقیقت می‌رسد، بنابراین آزادی اندیشه جایز است.

تاریخچه روشن‌فکری در ایران

پس از این که مدرنیته در غرب به اوج خود رسید، به شرق توجه کرد و شروع به تصرف گام به گام مناطق نمود و در قرن ۱۹ وارد جهان اسلام شد.

مبدأ: جنگ‌های ایران و روس که پس از آن جوانانی به قصد تحصیل به انگلستان رفتند تا پس از مراجعه به ایران در نوسازی ایران همت گمارند.^۳ تأسیس دارالفنون، ترجمه آثار غربی، مسافرت‌های شاهان قاجار و آشنایی با پیشرفت‌های غربیان و کپی کردن آن در ایران مانند ایجاد ارتش منظم.

مراحل: روشن‌فکری دارای سه مرحله بود

۱) تکوین

از جنگ‌های ایران و روس تا نهضت مشروطه را در برمی‌گیرد و زمان ظهور روشن‌فکران مختلف بود که به سه نمونه اشاره می‌شود:

۱. **آخوندزاده (لائیتیسته و الحاد):** دیدگاه وی برای نیل به نوسازی ایران عبارت است از:

۱- نفی حضور اجتماعی دین: دین، افیون دولت و ملت است؛ اروپا با کنار گذاشتن دین به پیشرفت مادی رسید، بنابراین دیگر کشورها نیز باید چنین کاری انجام دهند.

۲- انتقاد از شعائر دینی و مناسک مذهبی: عزاداری، امری بی‌ربط و بی‌اصالت است.

۳- نفی اجتهاد و تقلید دینی: عامل رکود و تشتت است و مغایر با امور علمی است.

۴- تغییر خط و رسمی شدن زبان انگلیسی و طرد زبان عربی که زبان دین نیز می‌باشد.

۲. **میرزا ملکم خان (لیبرال معتدل):** اقدامات وی عبارت بود از:

۱- تبلیغ و ترویج روشن‌فکری در میان طبقه فرهنگی و اهل مطالعه آن زمان

۲- تأسیس فراموش‌خانه و نخستین لژ فراماسونری در ایران؛ به درخواست حاج ملاعلی کنی تعطیل شد و سپس دو لژ مجمع و جامع آدمیت شروع به کار کرد

۳- نقش داشتن در انعقاد قرارداد رویتر با همکاری میرزا حسین خان سپهسالار؛ حق بهره‌برداری از مراتع، معادن، جنگل‌ها، اراضی حاصلخیز، گمرک، احداث راه‌آهن و ... به مدت ۷۰ سال به شخص رویتر واگذار شد.

۴- انتشار روزنامه قانون؛ ارائه نظم جدی برای ایران به منظور جبران عقب‌ماندگی در این روزنامه.

۵- خواهان سلطنت مشروطه و ایجاد پارلمان بود.

۳. واژه روشن‌فکری در ایران از زمان قاجار به طور عام و در دوره مشروطه به طور خاص وارد گفتمان سیاسی شد.

۶- تأکید بر این که اساس مدنیت غربی مستند به اسلام است نه غرب تا این که مورد پذیرش عموم قرار گیرد؛ اگر بتوانند همراهی علما را به دست آورند می توانند موفق شوند و الا در صورت تعارض علنی با علما احتمال موفقیت اندک خواهد بود.

۳. میرزا حسین خان سپهسالار (تکنوکرات دولتی): بوروکرات‌ها موجبات سفر ناصرالدین شاه قاجار را فراهم می کردند و این سفر موجب تأثیرپذیری بیشتر از فرهنگ غرب می شد. معتقد بودند که باید ساختارهای دولتی به سان ساختارهای غربی تغییر کند ولی تغییرات انجام شده کارای عملی چندانی نداشت؛ اقدامات عبارت بود از:

- ۱- تغییر در شیوه نامه نگاری
- ۲- تغییر آداب و رسوم اداری مانند تغییر پوشش کارمندان
- ۳- تغییر در ساعت اداری
- ۴- تغییر چاپارخانه به پست خانه
- ۵- تأسیس مدارس جدید با سبک غربی

۲) حاکمیت

انقلاب مشروطیت، محل تلاقی سه جریان بود:

- استبداد حاکم
- روشن فکری
- جریان مذهبی

جریان روشن فکری اگرچه در نهضت مشروطیت به دلیل مقاومت علما نتوانست به اهداف خود به صورت کامل دست یابد، اما رژیم پهلوی را باید تجسم و مظهر اراده روشن فکران غربی دانست که با کودتای رضاخان وارد عرصه سیاسی شد و تلاش خود را برای تحقق اهداف آغاز کرد.

۳) افول

انقلاب اسلامی، به مثابه افول جریان روشن فکری است. در دوران انقلاب و پیروزی انقلاب و دوران دفاع مقدس در انزوا کامل قرار داشت و پس از جنگ تحمیلی دوباره فعالیت خود را تداوم بخشیدند.

به طور کلی اصول ثابت روشن فکری از آغاز تاکنون عبارت است از:

۱. تجویز الگو قرار دادن غرب برای رفع عقب ماندگی های ایران
۲. القای ناتوانی دین در پاسخ گویی به نیازهای جدید و ترویج تمدن غربی
۳. چالش با سنت ها و عقاید دینی زیرا آن را مانع تکامل و ترقی می دانستند و به جای آن بر علم و قانون تأکید می کردند.

۴. تفکیک مدیریت فقهی از مدیریت علمی

۵. القای پایان عصر دین

۲. روشن فکری دینی

جریانی که هدفش تبیین معارف دین به زبان روز و پاسخ به پرسش‌های نوظهور و مستحدث دنیای معاصر بر اساس منابع اصیل اسلامی و با هدف عملیاتی و اجرایی کردن شریعت و زمینه‌سازی برای حاکمیت دین در نظام جهانی است که مستلزم برخورداری از قوه اجتهاد و نیز شناخت مقتضیات و نیازهای جامعه معاصر است.

ویژگی‌های روشن فکری دینی:

۱. بازگشت به اسلام و پیرایه‌زدایی از دین: پیوند میان ملت‌های مسلمان و راه‌های تقویت وحدت میان آن‌ها، شعار بازگشت به اسلام و طرد ارزش‌های مادی غرب و تأکید بر نوسازی نهادهای اجتماعی.
۲. اجتهاد: تغییر مسائل سبب تغییر پاسخ‌ها می‌شود؛ اجتهاد، کوششی عقلانی در تبیین دین بر اساس منابع دین اسلام است که احکام فرعی جزئی را از اصول کلی استنباط می‌کنند؛ اگرچه در برخی برهه‌ها فقه در انزوای اجتماعی قرار داشت و تنها به مسائل فردی پاسخ می‌داد ولی هر زمان که شرایط مهیا بد به مسائل اجتماعی که وارد سیستم فقهی می‌شد نیز پاسخ می‌داد.
۳. جامعیت دین: دین با توجه به هدف خلقت انسان که همان قرب خداوند است، تمام بایدها و نبایدها که فرد و جامعه را به کمال و معنویت می‌رساند را بیان کرده است و رسالت دین بیان نظام ارزشی است؛ به بیان علامه طباطبائی جامعیت دین مستلزم پاسخ‌گویی به تمامی مسائل در تمامی زمان‌ها و مکان‌ها است؛ در منابع دین (سنت و سیره معصومین) اصول کلی آمده است و تبیین مسائل فرعی بر عهده فقیه است؛ خطابات قرآنی عام است و مربوط به گروه خاصی نیست.
۴. سازگاری علم و دین: مسلمانان به یافتن دانش و معرفت دعوت شده‌اند.
۵. پیوند دین و سیاست: دین، صرفاً تعالیم اخلاقی نیست، بلکه قوانین و قواعد حیات و زندگی را نیز بیان می‌کند و هدف اساسی آن اقامه قسط و عدل است.

سوالات:

۱. دلایل ناکارآمدی جریان روشنفکری در ایران؟

فصل پنجم: نهضت مشروطه

نخستین رویارویی مردم با حاکمان استبدادی است و برای اولین بار بود که این ایده که مملکت متعلق به مردم است و مردم هم حقی دارند و باید خواست آنان تأثیری داشته باشد، مطرح شد.

۱. نهضت تنباکو

سومین سفر ناصرالدین شاه به فرنگ خزانه مملکت را خالی کرده بود، برای حل این مشکل امتیازی را به تالوت انگلیسی واگذار کردند مبنی بر اعطای حق کشت و توزیع و فروش توتون و تنباکو به مدت ۵۰ سال در مقابل دریافت ۲۵ هزار لیبره و نیز ۱۵ هزار لیبره که سالانه باید دریافت می‌شد. به موجب این قرارداد، حمل و نقل هرگونه توتون و تنباکو بدون اجازه کمپانی رژی ممنوع بوده است.

الف. دلایل فرهنگی - مذهبی

ورود شرکت رژی به ایران به همراه حدود ۲۰۰ هزار نفر کارمند و به تبع آن انجام دادن اعمال منافی با فذهنگ مذهبی مردم مانند برپایی مراکز فساد و فحشا و اجبار بی‌حجابی برای زنان پرستار به‌ترویج این ذهنیت را برای مردم پدید آورد که انگلیس مانند هند در پی مستعمره کردن ایران است و عالمان دینی نیز تحریم تنباکو را مستند هب دو چیز می‌دانستند:

- متزلزل شدن اساس دین و استقلال کشور
- مغایرت قرارداد رژی با احکام شریعت^۴

ب. دلایل سیاسی - اقتصادی

بیان اول: توتون و تنباکو بخش عمده‌ای از محصولات کشاورزی مردم و مهم‌ترین آن بوده است و واگذاری امتیاز آن به کمپانی رژی منافع بسیاری از مردم را به خطر انداخت. سود سالانه انگلیسی‌ها ۵۰۰ هزار لیبره بود که تنها ۱۵ هزار لیبره به ایران می‌دادند.^۵

تحلیل:

۴. ص: ۱۱۶

۵. ص: ۱۱۷

۱. نهضت تنباکو، اولین نماد تبعیت مردم از علما و مراجع در تاریخ معاصر ایران بود و جایگاه مردمی روحانیت را به نمایش گذاشت.
۲. اولین حضور سیاسی تأثیرگذار فقه شیعه در تحولات تاریخ معاصر ایران بود؛ فقیه بزرگ شیعه با استنباط این که حکم حلیت استفاده از توتون با قاعده نفی سبیل تعارض کرده است، حرمت ثانوی آن را احراز کرد.
۳. اولین برخورد مستقیم علمای دین با استعمارگران خارجی بود و اولین شکست آنان نیز محسوب می‌شود.
۴. پیروزی مردم در نهضت تنباکو، سبب اعتماد به نفس و در نتیجه توانمند شدن برای ایجاد حرکت بزرگ‌تری به نام نهضت مشروطه شدند که در این حرکت دوم استبداد داخلی را هدف گرفته بودند.

۲. زمینه‌های نهضت مشروطه

الف. زمینه‌های داخلی

۱. مهم‌ترین دلیل: آموزه‌های دین اسلام مبنی بر مبارزه با استعمار و استبداد.
۲. مذهب تشیع که از عصر حضور امامان شیعه در ایران رواج یافته بود، در معرض خطر جدی قرار گرفته بود.
۳. استبداد قاجار و ظلم و ستم خوانین محلی استعداد یک انفجار مردمی را پدید آورده بود.
۴. نابسامانی وضع اقتصادی مردم و فقر و تنگدستی و فاصله طبقاتی و بی‌عدالتی زمینه یک حرکت اجتماعی را پدید آورده بود.^۶

ب. زمینه‌های خارجی

۱. تأثیر جنبش‌های مشروطه‌خواهی در کشورهای مختلف از جمله ژاپن و روسیه
 ۲. افزایش چشمگیر اعزام دانشجویان به خارج از کشور
 ۳. تأسیس مدارس جدید و دارالفنون
 ۴. افزایش مسافرت‌های خارجی
 ۵. ترجمه کتاب‌های غربی و انتشار روزنامه‌ها
- این عوامل سبب شکل‌گیری گفتمانی شد که با تأثیرپذیری از فرهنگ غرب خواهان تأثیرگذاری در داخل بود.

ج. عوامل شتاب‌زا

۱. ماجرای مسیو نوز بلژیکی:
۲. حادثه بانک استقراضی روس:
۳. چوب زدن بازرگانان تهران:

۳. جریان حوادث

(۱) **مهاجرت صغری:** با بروز عوامل شتاب‌زا، طباطبائی و بهبهانی به همراه جمع کثیری از مردم در حرم حضرت عبدالعظیم متحصن شدند. درخواست آنان:

۱- تأسیس عدالت‌خانه

۲- اجرای قوانین اسلام

۳- عزل مسیو نوز بلژیکی

۴- عزل علاء الدوله

به دستور شاه، علاء الدوله درخواست علما را پذیرفت و علما با استقبال مردم وارد شهر شدند.

(۲) **مهاجرت کبری:** پس از پذیرش درخواست علما از مردم، علاء الدوله عملاً اقدامی در جهت تأمین آن خواسته‌ها نکرد، بلکه مبارزانی مانند سیدجمال واعظ را دستگیر و تبعید کرد. متعاقب عملی نشدن خواسته‌های علما، مهاجرت کبری شکل گرفت و این بار به قم رفتند. انتشار اخبار قم سبب شد مردم دیگر مناطق نیز به جمع متحصنین بپیوندند. (مردم اصفهان، تبریز، خراسان)

(۳) **تحصن در سفارت انگلیس:** خروج علما از شهر، این فرضیه را پدید آورده بود که حکومت درصدد حمله به مردم باقیمانده در شهر می‌باشد و این شایعه بسیار برجسته شده بود و چون علما ملجأ مردم در اینگونه امور بودند و اکنون در شهر حضور ندارند، لاجرم به سفارت انگلیس پناه بردند که زمینه‌ساز حوادث ناپسندی در جریان نهضت مشروطه شد.

(۴) **حمایت علمای نجف از نهضت مشروطه:** با نامه‌نگاری‌هایی که صورت گرفته بود، علمای نجف در جریان امور قرار گرفتند و ورود آنان به نهضت مشروطه و فشار بر مظفرالدین شاه سبب برکناری علاء الدوله شد و نهضت به پیروزی خود نزدیک می‌شد. شاه در ۱۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ فرمان مشروطیت را امضا کرد. علمای مهاجر نیز به تهران بازگشتند.

(۵) **مجلس اول شورای ملی:** مجلس در ۱۸ شعبان ۱۴۲۳ افتتاح شد و کار اصلی نوشتن قانون اساسی بود که با اختلاف شدید همراه بود و دو دیدگاه غربی و فقهی وجود داشت؛ دیدگاه غربی معتقد به استفاده از قانون اساسی بلژیک و فرانسه بود که با مخالفت دیدگاه فقهی روبرو شدند؛ شیخ فضل‌اله نوری در حرم حضرت عبدالعظیم متحصن شد که خواهان نظارت ۵ نفر از فقها بر مصوبات مجلس بود که با مخالفت روبرو شد ولی در نهایت پذیرفته شد.

(۶) استبداد صغیر:

۱- شیوع اختلافات میان نمایندگان مجلس،

۲- قتل اتابک صدر اعظم،

۳- شاه به دنبال تعطیل کردن موقت مجلس بود،

- ۴- سوء قصد به محمدعلی شاه،
- ۵- دستور محمدعلی شاه برای به توپ بستن مجلس و اعزام واحدی به فرماندهی لیاخوف روسی برای این کار،
- ۶- شروع استبداد صغیر پس از به توپ بستن مجلس . اعلام حکومت نظامی،
- ۷- کشته شدن برخی از نمایندگان و روزنامه نگاران و تبعید طباطبائی و بهبهانی.
- (۷) قیام شهرها و پایان استبداد صغیر:**
- ۱- شروع قیام‌های مردمی در شهرهای مختلف پس از وصول حکم آخوند خراسانی مبنی بر لزوم مبارزه با شاه قاجار؛
- ۲- ستارخان و باقرخان قیام در تبریز را آغاز کردند؛
- ۳- قیام مردم اصفهان به رهبری آقا نور اله و آقا نجفی اصفهانی؛
- ۴- فتح تهران به وسیله قوای آذربایجان، گیلان و بختیاری؛
- ۵- محمدعلی شاه به سفارت روس پناهنده شد و سپس به شهر ادسای روسیه عزیمت کرد و به این ترتیب دوره یک ساله استبداد صغیر پایان یافت.

۴. جریان شناسی

- **جریان علما و مراجع:** تبیین مبانی نظری نظام مشروطه
 - آخوند خراسانی، میرزای نائینی، شیخ فضل اله نوری، طباطبائی، بهبهانی
 - اصلاحات مذهبی و اجتماعی را در دستور کار قرار دادند و از عدالت‌خانه استنباط دینی داشتند.
 - شعار مردم در جریان نهضت مشروطه «عدالت‌خانه» بود ولی هنگام تصمیم‌گیری چون تجربه عملی از عدالت‌خانه وجود نداشت و الگوی دموکراسی غربی و سلطنت مشروط به تجربه رسیده بود، آن انتخاب شد.
 - پس از گسترش نفوذ روشن‌فکران در جریان مشروطه و غربی کردن آن، از دو طریق مخالفت کردند:
 - (۱) مخالفت صریح: شیوه شیخ فضل اله نوری که پس از شهادتش به ثمر نشست و موجب آگاهی و بصیرت مردم شده بود.
 - (۲) همکاری و مصادره تدریجی: شیوه آخوند خراسانی و مبتنی بر تبیین مرزهای مشروطه مطلوب و نفی آموزه‌های الحادی بانیان مشروطه غربی.
- **جریان روشنفکری:** در ابتدا، توافق و همکاری ظاهری میان دو جریان وجود داشت ولی به بعد از پیروزی و تشکیل مجلس شورا تعارضات علنی شد و در مواردی مانند تدوین قانون اساسی و انتخاب وزرا نمایان شد و روشن‌فکران توانستند با تشکیلات پنهانی و سری رهبری نهضت مشروطه را به دست بگیرند
 - الگوی دموکراسی غربی را دنبال می‌کردند (تشکیل پارلمان)

- برای تحقق هدف خود (تشکیل مجلس) از دو راهبرد کمک گرفتند:
- (۱) ایجاد دوگانگی در ایدئولوژی نهضت
 - (۲) همکاری با لژهای فراماسونری و گروه‌های تندرو و تلاش در جهت تفسیر التقاطی از دین

۵. اندیشه سیاسی مشروطه

۱. شیخ فضل اله نوری

- (۱) نظریه عدالت‌خانه را طرح و ناشی از ستم زمامداران و بی‌قانونی آنان و فقر عمومی می‌دانست و از قیام مردم برای تأسیس ان حمایت نمود.
- (۲) مشروطه مشروعه: جدا شدن از صف مشروطه‌خواهان پس از این که متوجه شد با اسم مشروطه در صدد نفی قوانین اسلام هستند. در مقابل مشروطه غربی، نظریه مشروطه مشروعه را طرح کرد و بر آن تأکید نمود.
- (۳) رساله حرمت مشروطه: در این کتاب ○ به بیان همراهی اش با جنبش مشروطه پرداخت و سپس جدایی از آن و طرح نظریه مشروطه مشروعه
- تلاش برای تطبیق مشروطه با شریعت ولی اذعان می‌کند که مشروطه شرع‌پذیر نیست و در این راستا به اصولی از مشروطه مانند مساوات همه افراد مملکت در برابر قانون اشاره می‌کند.
- تفکیک نبوت و سلطنت: نبوت و سبطنت در انبیای سلف مختلف بوده است _ گاهی مجتمع و گاهی متفرق بوده است _ معتقد بود امور شرعی و افتاء و ... بر عهده فقیهان و نایبان امام زمان (عج) است و امور عرفی و سلطنت و سیاست اجتماعی و مصالح عام مسلمانان بر عهده پادشاهان است و باید این دو را تقویت کرد.

۲. میرزای نائینی (نظریه دولت مشروطه)

- (۱) بر اساس آموزه‌های شیعی حکومت بهترین نوع حکومت است و وظایف و کارکردهای حکومت مطلوب در آن قابل اجراست به دلیل عصمت امام و اتصال به منبع وحی؛
- (۲) در زمان غیبت امام معصوم که دست امت از دامان عصمت کوتاه است پذیرش مشروطه و لوازم آن مانند مجلس و حاکمیت جمعی مردم بر سلطنت غصبی مطلقه ترجیح دارد هرچند که خود ان هم ایده‌آل نیست ولی با چنین حکومتی می‌توان برخی از کارکردهای حکومت را محقق کرد؛ مجلسی که متشکل از آگاهان و عقلای جامعه است برای اداره جامعه مناسب است؛
- (۳) بنابر اصول مذهب امامیه قدر مقدور از جانشین قوه عاصمه عصمت است که این مسدود و رادع خارجی، به قدر قوه بشریه می‌باشد؛

- ۴) مشروطه‌ای که نائینی به آن استناد می‌کند یک حکم ثانوی و متکی بر احکام شریعت است و با مشروطه غربی کاملاً متفاوت است؛
- ۵) نائینی می‌کوشد حضور عملی مردم را در سیاست توجیه کند تا به عنوان ابزاری برای مهار کردن قدرت سرکش دولت باشد.
۳. مقایسه دو دیدگاه:
- ۱) اعتقاد به ولایت فقیه: هردو فقیهی اصولی بودند (اصول: شیخ انصاری، فقه: فقه جواهری) و هردو به ولایت فقیه اعتقاد داشتند.
- ۲) قدر مقدور: زمینه برای تحقق حکومت ولایتی فراهم نیست؛ نائینی با استدلال به ال‌اهم فالاهم حکومتی را مطلوب می‌دانستند که ظلم کمتری در آن متصور است؛ شیخ فضل‌الله هم به همین امر معتقد بود و عدالت‌خانه را محدودکننده قدرت شاه می‌دانست.
- ۳) مجلس، قانون اساسی، آزادی: هردو با این امور مخالف نبودند و مخالفت‌شان به دلیل این بود که مجلس قوانین اسلام را حذف کرد. (حکم اولی تشکیل حکومتی مبتنی بر ولایت فقیه است و به علت عدم قدرت و به حکم ثانوی قائل به تحدید قدرت می‌شوند)
- ۴) اشتراک در مبانی فلسفه سیاسی: در انسان‌شناسی، دین‌شناسی و فلسفه سیاسی اختلافی نداشتند.

۶. فرجام مشروطه

بی‌ثمر بودن نهضت مشروطه به دلیل:

۱. اختلافات داخلی
۲. مقاومت استبدادگران
۳. حمایت خارجی

سؤالات:

۱. علل ناکامی نهضت مشروطه را بررسی کنید.

عوامل ناکامی عبارت است از:

- ۱) کم‌رنگ شدن رهبری دینی: تضعیف و تخریب رهبران دینی و رهبرتراشی کاذب
- ۲) نفوذ عناصر فرصت‌طلب
- ۳) نقش تخریبی انجمن‌های سری و گروه‌های وابسته به سفارتخانه‌های خارجی
- ۴) کم‌رنگ نمودن اندیشه‌های دینی در قانون اساسی
- ۵) اختلاف دو اندیشه دینی و غیردینی
- ۶) اختلاف در برداشت دینی از مشروطیت

۲. تأثیر نهضت مشروطه را در شکل‌گیری و تداوم انقلاب اسلامی شرح دهید.

۳. دستاوردهای نهضت مشروطه را بنویسید.

۴. علت اختلافات شیخ فضل‌الله و علمای نجف؟

فصل ششم: عصر رضاخان

۱. زمینه‌ها

۱. ناکامی نهضت مشروطه در دستیابی به اهداف: سرخوردگی نیروهای مذهبی از مشروطیت ناشی از شهادت شیخ و ترور بهبهانی سبب شد دوره سکوت و انزوای روحانیت شکل گیرد.
۲. گسترش دامنه جنگ جهانی دوم
۳. قیام‌ها و شورش‌های منطقه‌ای مانند نهضت شیخ محمد خیابانی و نهضت جنگل که تداوم مشروطیت خواهی و مبارزه با بیگانه بود.
۴. از لحاظ بین‌المللی نیز ایران تحت فشار قدرت‌های بزرگ قرار داشت: قراردادهای ۱۹۰۷ و ۱۹۱۵ و ۱۹۱۹

۲. ایدئولوژی رژیم پهلوی

- پهلوی، دستاورد جریان روشن‌فکری جهت نیل به تجدد و مدنیت غربی بود.
- در این دوره عصبیت قومی جای خود را به قانون اساسی داده بود که به وسیله آن حکومت برای همیشه در سلسله مردان یک خانواده ادامه می‌یافت و روشن‌فکری توجیه‌کننده آن بود. این الگو برگرفته از نظام سلطنتی بریتانیا بود و بر ۳ اصل استوار بود:
۱. **ملی‌گرایی:** تغییر عامل همبستگی از عامل دینی به ملی‌گرایی (ناسیونالیسم)؛ ملی‌گرایی دو جنبه داشت: اسلام‌زدایی و باستان‌گرایی. اقدامات انجام گرفته در این راستا عبارت بودند از:

- ۱- بازنویسی متون تاریخی
- ۲- برگزاری جشن هزاره فردوسی
- ۳- پیراستن زبان فارسی از واژه‌های غیرفارسی
- ۴- ارائه تقویم مستقل
- ۵- تغییر نام کشور
- ۶- ایجاد تشکیک در عقاید دینی و حمایت از جریان‌های انحرافی مانند کسروی و سنگلجی
- ۷- برخورد با مناسک و شعائر مذهبی
- ۸- معارضة با روحانیت و تلاش برای کاهش نفوذ آنان

۹- گسترش فساد و فحشا

۲. سکولاریسم: اقدامات

۱- جایگزینی نظام حقوقی سکولار و قوانین عرفی با قوانین اسلامی در محاکم قضائی و تأسیس دادگستری

۲- تقویت ادیان ساختگی

۳- تحریک اقلیت‌های قومی

۴- گسترش حمایت از اسرائیل و حمایت از بهائیان

۵- تصرف موقوفات مذهبی به نفع دولت

۶- مخصوص شدن حق وعظ و خطابه به افرادی خاص

۳. شبه‌مدرنیسم (نوسازی غربی): اخذ ظواهر فرهنگی غرب مانند

۱- تجددگرایی با هدف ایجاد فرهنگ مصرفی و تحقیر ارزش‌های ملی و مذهبی

۲- تغییر لباس مردان و زنان

۳- نوگرایی صنعتی

۴- ایجاد ارتش مدرن

شبه‌مدرن بودن این دوره به لحاظ عوامل زیر است:

۱- غرب‌زدگی سطحی و تقلیدی

۲- استیلای استعمار مدرن

۳- اقتصاد شبه‌سرمایه‌داری (وابسته و غیرمولد و متکی بر درآمد نفت)

۴- اقتصاد تک‌محصولی

۵- اقتصاد بوروکراتیک

۶- رژیم استبدادی مطلقه و وابسته

۷- ترویج عادات سکولار و اباحی‌گری

۸- سیستم آموزشی سکولار و ناکارآمد

۹- نظام حقوقی و قضائی سکولار

۱۰- افزایش فاصله طبقاتی

۱۱- دین‌ستیزی و مخالفت با روحانیت

۳. حکومت رضاخان

ویژگی‌های حکومت رضاخان:

۱. فضای اختناق‌آور شدید

۲. دین‌ستیزی و اسلام‌ستیزی آشکار

۳. وابستگی به بیگانگان

۴. مبارزه با روحانیت

۵. متحد الشکل کردن لباس‌ها

۶. کشف حجاب

تقابل اندیشه سکولار پهلوی با اندیشه دینی نموده‌های فراوانی در این دوره داشت که همگی توسط رضاخان سرکوب شد، مانند:

۱. قیام آقانوراله اصفهانی و ملاحسین فشارکی در اصفهان

۲. قیام شیخ ابوالحسن انگجی و میرزا صادق آقا در تبریز

۳. اعتراض آیت اله بافقی در قم

۴. اعتراض حاج آقا حسین قمی در مشهد و حادثه کشتار مردم در مسجد گوهرشاد

۴. مروجان سکولاریسم

۱. محمدعلی فروغی:

○ تأثیرپذیری از ملکم خان

○ ترجمه قانون اساسی فرنگی

○ از بنیان‌گذاران لژ بیداری ایرانیان

○ به سیاست انگلیس در ایران تمایل داشت (انگلوفیل)

۲. کسروی:

○ پدرش روحانی ولی اندیشه‌ای ضددینی داشت و زیارت و ... را منع می‌کرد.

○ در آغاز مشروطه مخالفت خود را با روحانیت و علما اعلام کرد.

○ کتاب‌های مختلفی را منتشر کرد که در اکثر آن‌ها عقاید دینی را مسخره می‌کرد؛ قضاو قدر و اعجاز را عامل عقب‌ماندگی می‌دانستند.

○ خود را مسلمان می‌دانست ولی معتقد بود ادیان موجود به‌ویژه اسلام تحریف شده‌اند و مذهب شیعه از

همه بیشتر دچار خرافات شده است و در تلاش برای پالودن دین از انحرافات نهضت «پاک‌دینی» را

تأسیس کرد و عقل را مهم‌ترین منبع برای روزآمد کردن اسلام می‌دانست.

○ در پهلوی اول عهده‌دار مناصب قضایی شد.

○ حمایت از کشف حجاب.

○ حمایت از پیراستن زبان فارسی از عربی.

○ امام خمینی در کشف الاسرار به ادعاهای وی پاسخ داد و وی را ابن‌تیمیه تشبیه کرد.

- برخی از مراجع دینی وی را تکفیر کرده بودند و نواب صفوی با او چند مناظره را برگزار کرد و در نهایت به وسیله یکی از همفکران نواب کشته شد.
- ۳. تقی‌زاده:

- تکنوکرات و مدیر اجرایی بود نه متفکر
- از بنیان‌گذاران حزب دموکرات بود و یکی از شرایط به عضویت درآمدن به این حزب عدم انجام اعمال مذهبی بود.
- برنامه این حزب جدایی کامل قوه سیاسی از قوه روحانیه بود.
- ۴. تیمورتاش:

- تلاش برای ساقط کردن قاجار
- تلاش برای ایجاد نظام قضایی جدید و مبارزه با نمادهای اسلامی
- وزیر دربار رضاخان و تبدیل دربار به مرجع تصمیم‌گیرنده و مجری اراده رضاخان
- نماینده ایران در انعقاد قرارداد با مسکو
- افکار تجدید نظر طلبانه و یکی از نظریه‌پردازان دیکتاتوری رضاخان

۵. اقدامات در جهت تثبیت سکولاریسم

۱. ستیز با سنت‌ها:

- ۱) مبارزه با اندیشه اسلامی و جایگزینی آن با ایدئولوژی جدید
- ۲) سنت‌های دینی عامل عقب‌ماندگی است
- ۳) الگو قرار دادن ترکیه و آتاترک
- ۴) فرهنگ غربی دارای دو لایه ظاهری و باطنی است و رضاخان درصدد اخذ لایه ظاهری آن بود
- ۵) در ابتدا در مراسمات مذهبی شرکت می‌کرد و خود را مقلد حاج شیخ عبدالکریم حائری می‌دانست ولی پس از تثبیت حکومتش به مقابله پرداخت و سکولاریسم را اجرایی کرد.

۲. تأسیس نهادهای جدید:

۱) نظام جدید آموزشی:

- که متأثر از فرهنگ غرب است و سابقه آن به دوره قاجار و اعزام دانشجو پس از جنگ‌های ایران و روس بازمی‌گردد.
- به موجب قانونی که رضاخان تصویب کرد به مدت ۶ سال و هر سال ۱۰۰ نفر دانشجو به خارج اعزام می‌شوند.

- هدف رضاخان از این کار: نهادینه شدن رژیم پهلوی با تکیه بر نخبگان و افسران جوانی که همه تحصیلکرده غرب بودند و از این طریق امیدوار بودند در نظام آموزشی جدید افرادی تربیت شوند که بعدها در رژیم پهلوی به کار گرفته شوند.
- این اقدام رضاخان با نفوذ علما به موفقیت نرسید و همین نظام آموزشی جدید به میدانی برای تقابل با رژیم تبدیل شد.

۲) نظام قضایی نو:

- هدف: تضعیف موقعیت علما و نهادینه کردن در امور فردی محض و عدم دخالت آن در امور اجتماعی (سکولاریزاسیون)
- جایگزینی نظام حقوقی غرب (فرانسه، بلژیک، سوئیس) به جای محکمه‌های شرعی
- تصویب قوانین متعدد طی سال‌های ۱۳۰۴ تا ۱۳۰۷ (قوانین تجاری، جنایی، مدنی)
- تأسیس وزارت عدلیه و علی‌اکبر داور مسئول تربیت قضات جدید شد.
- تصویب قوانین موقوفات که طی آن موقوفات از تصدی علما خارج و زیر نظر دولت قرار گرفت.

۳) ایجاد فرهنگستان:

- هدف: حفظ و توسعه زبان فارسی؛ هدف واقعی: تلاش برای انقطاع فرهنگی و جداسازی فرهنگ ایرانی از فرهنگ اسلامی و پیراستن زبان فارسی از زبان عربی (زبان و فرهنگ ایرانی تحت تأثیر زبان عربی قرار گرفته است)
- سابقه این کار: آخوندزاده در دوره قاجار که خواستار تغییر الفبا بود. روشنفکرانی مانند ملکم خان چهل مسلمانان، عدم وجود حقوق و آزادی‌های فردی، عدم ایجاد راه‌های شوسه، زیادی خشونت و ... را ناشی از نقص الفبا می‌دانستند.

۴) کشف حجاب:

- ادعاهای رضاخان برای زمینه‌سازی فرهنگی جهت کشف حجاب: آزادی زنان در کشف حجاب است؛ حجاب مانع ترقی است؛ حجاب مانع کار و تلاش زنان است.
- این فکر پس از مسافرت به ترکیه به ذهن رضاخان آمد: کشف حجاب زنان، متحدالشکل کردن لباس مردان.
- اقدامات:

- پیش‌قدم شدن رجال دولتی
- تبلیغ بی‌حجابی از راه‌های فرهنگی و ادبی
- ایجاد محدودیت برای زنان محجبه
- کاربست زور و تنبیه و تهدید در اجرای ققانون کشف حجاب

▪ تشویق داوطلبان انجام کشف حجاب

○ واکنش‌ها:

- واقعه مسجد گوهرشاد مشهد به رهبری بهلول و مراجع
- شرکت نکردن در مراسمات و جشن‌های دولتی
- خارج نشدن بانوان از منزل
- نگارش نامه‌های اعتراض‌آمیز
- تنوع بخشیدن به پوشش به نوعی که کارکرد حجاب را نیز داشته باشد

علل ناکانی سکولاریسم در ایران در مقایسه با ترکیه:

۱. وجود اندیشه شیعه در ایران
۲. ثبات حاکمیت آتاترک در ترکیه برخلاف عدم ثبات سیاست رضاخانی در ایران به دلیل جنگ جهانی دوم و اشغال ایران توسط متفقین که سبب ایجاد وقفه در سیاست‌های رضاخان شد.

۶. اندیشه سیاسی

۱. اندیشه سیاسی مدرس: تلاش برای عملی کردن اندیشه‌های عصر مشروطه

- (۱) چالش با سکولاریسم: سیاست ما عین دیانت ماست و دیانت ما عین سیاست ما؛ این جمله در فضای حاکمیت مطلق سکولارها بیان شده است؛ معتقد بود اسلام یک نظام سیاسی است که می‌تواند با تمدن جدید نیز هماهنگ باشد؛ راه حل معضل عقب ماندگی مسلمانان را در متن دین می‌توان یافت کرد.
- (۲) تلاش برای قانون‌مند کردن امور سیاسی و اداری کشور بر مبنای شرع.
- (۳) تلاش برای استقرار مشروطیت و نهادهای حقوقی آن و مبارزه برای برقراری آزادی و استقلال ایران.
- (۴) عظمت و فلاح هر مملکتی به مجلس آن کشور است (مجلس در رأس همه امور است)
- (۵) با داشتن اندیشه دینی مستغنی از اندیشه‌های وارداتی هستیم. (اینکه ما تعقیب از مقالات روسو نمی‌کنیم، به این دلیل است که افکار محمد "صلی‌الله‌علیه‌وآله" را برتر از مقالات روسو می‌دانیم)
- (۶) تأثیر اندیشه مدرس بر امام خمینی: شرکت امام در بحث‌های طلبگی مدرس، حضور در مجلس و شنیدن نطق مدرس

۲. آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری

- (۱) اهمیت یافتن قم با حضور شیخ در قم (آیت الله بافقی از شیخ خواست به قم بیاید) و انتقال حوزه علمی شیعه از خارج به درون ایران
- (۲) وجه اهمیت دیگر: زمینه‌سازی برای حضور مرجعیت شیعه در قم که به حفظ موجودیت روحانیت شیعه در ایران کمک می‌کرد (آیات ثلاث: صدر، حجت، خوانساری)

۳) توسعه و نوسازی نهادهای آموزشی - مذهبی به دست شیخ که بعدها توسط آیت الله بروجردی تداوم یافت.

۴) کناره‌گیری مثبت از سیاست: به جهت دوراندیشی برای تأمین منافع کلی حوزه و حفظ آن در دوران خودکامگی و در آن شرایط این بهترین سیاست بود. تنها ۲ اقدام سیاسی ایشان: حضور در گردهمایی علمای قم با حضور نائینی و اصفهانی و درخواست انصراف از تشکیل جمهوری رضاخانی / تگلراف به رضاخان و اعتراض به کشف حجاب

فصل هفتم: تحولات عصر پهلوی دوم

۱. سیر تاریخی

- اشغال ایران توسط متفقین و برکناری رضاخان از سلطنتو تبعید وی به جزیره موریس و سپس آفریقای جنوبی و به حکومت رسیدن محمدرضا پهلوی
- پیمان سه‌جانبه بین ایران و انگلیس و شوروی مبنی بر خروج از ایران پس از جنگ
- رد شدن امتیاز نفت شمال ایران به شوروی توسط مجلس که زمینه نهضت ملی شدن صنعت نفت را مهیا کرد.
- پس از پایان جنگ، انگلیس از ایران خارج شد ولی شوروی در آذربایجان باقی ماند و به تحریک شوروی، فرقه دموکرات آذربایجان خواستار خودمختاری آذربایجان شد و اعلام دولت ملی کرد و نخست‌وزیر خود را نیز معرفی کرد.
- قوام (نخست‌وزیر ایران) برای مذاکره به شوروی رفت و وعده امتیاز نفت شمال را داد (ولی بعداً عملی نشد) و موافقت آنان را برای خروج از ایران به دست آورد. نیروهای نظامی ایران وارد آذربایجان شدند و دولت ملی آذربایجان سقوط کرد و رهبران آن متواری شدند.
- اعلام تشکیل دولت اسرائیل و برپایی اجتماع اعتراضی در مسجد امام خمین تهران به دعوت آیت الله کاشانی
- ۱۳۲۷: انعقاد قرارداد ایران و آمریکا مبنی بر اعزام هیئت تحقیق برای اعطای وام به ایران؛ در نتیجه این قرارداد حج صادرات آمریکا به ایران ۲۰ برابر افزایش یافت و تولید داخلی را با مشکل روبرو کرد.
- ۱۳۲۹: رزم‌آرا نخست‌وزیر شد و هدف نادیده گرفتن جنبش صنعت نفت و تصویب لایحه «گس - گلشانیان» بود که به موجب آن نفت جنوب ملی نمی‌شد ولی حق امتیاز ایران افزایش می‌یافت. مجلس و کاشانی بر ملی شدن اصرار داشتند و رزم‌آرا مخالفت می‌کرد تا این که رزم‌آرا به دست فدائیان اسلام ترور شد و ۲ هفته پس از قتل وی ملی شدن صنعت نفت تصویب شد.
- ترور رزم‌آرا: زمینه‌سازی برای ملی شدن صنعت نفت / نخست‌وزیری مصدق
- فرار شاه به ایتالیا پس از نخست‌وزیری مصدق و قدرت گرفتن وی
- کودتای ۲۸ مرداد: سازمان جاسوسی انگلیس و آمریکا با همکاری جمعی از اوباش، دولت دکتر مصدق را با کودتا ساقط کردند و محمدرضا را بازگرداندند.
- بازگشت محمدرضا به ایران توأم بود با انعقاد قراردادهای مختلف که وابستگی ایران را بیشتر می‌کرد:

- پیوستن ایران به پیمان نظامی بغداد در ۱۳۳۴: این پیمان سپر امنیتی امریکا در برابر شوروی در منطقه بود
- ارسال کمک‌های مالی و نظامی امریکا به ایران و قرارداد کنسرسیوم تصویب شد که حق اکتشاف، استخراج و فروش نفت ایران به شرکت‌های خارجی سپرده می‌شد و ایران فقط حق امتیاز دریافت می‌کرد.
- تأسیس ساواک به کم امریکا و اسرائیل

۲. تحولات دهه ۴۰

- رحلت آیت الله بروجردی و تلاش رژیم برای انتقال مرجعیت به خارج ایران
- انجمن‌های ایالتی و ولایتی: دارای دو نکته بود
 - حذف اسلام از شرایط نمایندگی و سوگند به کتاب آسمانی (نه قرآن)
 - آزادی زنان در فعالیت‌های اجتماعی
- مخالفت امام و مراجع در برابر قید حذف اسلام که در نهایت اسداله علم طرح خود را پس گرفت.
- انقلاب سفید: اصول انقلاب سفید عبارت بود از:
 - الغای رژیم ارباب رعیتی
 - ملی کردن جنگل‌ها
 - فروش سهام کارخانه‌های دولتی
- مخالفت امام و روحانیت و برخورد خشن رژیم و حمله به مدرسه فیضیه و دستگیری ایشان و قیام ۱۵ خرداد و آزادی امام پس از چند ماه
- لایحه کاپیتولاسیون: امریکایی‌ها از محاکمه در ایران در برابر جرم‌هایی که انجام می‌دهند معاف هستند که با اعتراض امام مواجه شد، ایشان برای بار دوم دستگیر و به ترکیه تبعید شدند.
- وابستگی هرچه بیشتر ایران به امریکا و ورود امریکایی‌ها و هم‌پیمانان به ایران
- افزایش قیمت نفت و رشد درآمدها و پاگرفتن صنایع مونتاژ
- مهاجرت روستائیان به شهرها که عوارض اجتماعی و اقتصادی به دنبال داشت.
- اشاعه رسوم و فرهنگ غربی و بی‌حرمتی به مقدسات اسلامی و درج مقاله توهین‌آمیز در روزنامه اطلاعات و توهن به امام و شروع شدن دور جدیدی از مبارزات

۳. ایدئولوژی

۱. سکولاریسم
۲. باستان‌گرایی و نفی میراث اسلامی و تجلیل از گذشته ایران پیش از اسلام

۳. نفرت از اعراب
۴. پیرایش زبان فارسی از زبان عربی
۵. تغییر تاریخ از اسلامی به شاهنشاهی

۴. جریان شناسی

۱. گروه‌های مارکسیستی: حزب توده

- شروع به فعالیت حزب توده پس از فضای باز ناشی از سقوط رضاخان
 - جذب نیرو با تأکید بر قانون اساسی و شعارهای ناسیونالیستی و پرهیز از اقدامات ضداسلامی
 - افشای چهره واقعی حزب پس از حمایت از اعطای نفت شمال به شوروی و حمایت از فرقه دموکرات آذربایجان
۲. ملی‌گرایی: جبهه ملی
- شعار: بیگانه‌ستیزی و آزادی‌خواهی
 - طرفداران: طبقه متوسط جامعه و دانشجویان
۳. گروه‌های اسلامی: ظهور و بروز جریان‌های دینی پس از سقوط رضاخان که اولویت این گروه‌ها مبارزه با استعمار و استبداد بود. ۴ گروه مورد بررسی قرار می‌گیرند:
- فدائیان اسلام:

○ در واکنش به کسروی شکل گرفت و نواب صفوی از نجف به ایران آمد و با او مناظره کرد و سپس او را کشتند. (مراجع وی را تکفیر کرده بودند)

○ اعلام موجودیت در سال ۱۳۲۷ و این گروه از جوانان مذهبی طبقات متوسط و پائین جامعه تشکیل شده بود.

○ در جریان ملی شدن نفت میان این گروه و کاشانی اختلافاتی وجود داشت؛ کاشانی در پی اجرای قانون اساسی مشروطه و سیاست گام‌به‌گام بود ولی نواب در پی تحقق حکومت اسلامی بود.

○ تقابل با مصدق: گروه در پی تحقق احکام اسلام (منع خرید و فروش مشروبات الکلی و مقابله با بی‌حجابی) بود ولی دولت مصدق واقعی به این امور نمی‌نهاد.

○ نواب به کشورهای اسلامی می‌رفت و در کنفرانس‌ها شرکت می‌کرد.

○ در جریان پیوستن به پیمان نظامی بغداد و سفر حسین علاء به بغداد برای حضور در کنفرانس، علاء توسط گروه ترور می‌شود و پس از نواب و اعضای گروه دستگیر و اعدام می‌شوند.

- حزب ملل اسلامی:

○ تشکیلات مخفی و برنامه چند مرحله‌ای برای مبارزه با رژیم (برنامه مسلحانه نیز پیش‌بینی شده بود)

○ تحت تأثیر اندیشه وحدت قرار داشتند (شیخ شلتوت، علمای شیعه دارالتبلیغ) و آمیزه‌ای از اندیشه‌های شیعی و سنی مانند اخوان المسلمین بود.

○ هدف نهایی حزب: تشکیل حکومت اسلامی فراملی در جهان اسلام (نفی مرز سیاسی برای این حکومت و اعتقاد به مرز ایدئولوژیک که در حال تغییر و نوسان بود و در برخی موارد هدف خود را عضویت تمام توده‌ها یجهان در حزب ملل اسلامی عنوان کردند) و می‌گفتند حکومت اسلامی ما هم مردمی و هم الهی است (قوانین الهی و اجرای آن توسط مردم)

○ تصویر روشنی از مبانی معرفتی و دورنمای حکومت اسلامی متصور خود نداشتند؛ بی‌تجربگی اعضای حزب سبب ناکامی در رسیدن به اهداف شد؛ همه اعضای حزب دستگیر شدند و اعضای اصلی به حبس‌های طولانی محکوم شدند.

• هیئت‌های مؤتلفه اسلامی:

○ تعدادی از هیئت‌های مذهبی که با فدائیان اسلام و کاشانی در ارتباط بودند

○ واسط بین امام و هیئت‌ها بودند

○ اقدامات: تکثیر اعلامیه‌های امام، ترتیب تظاهرات و راهپیمایی‌ها، برپایی مجالس سخنرانی (موارد: تظاهرات عاشورای سال ۱۳۴۲؛ قیام ۱۵ خرداد)

○ وارد فاز مسلحانه شدند اما پس از اولین اقدام (ترور حسنعلی منصور) فعالان اصلی آن دستگیر و اعدام شدند و پس از آن از مبارزه مسلحانه دست کشیدند.

○ به تدوین و احیای مفاهیم دینی و ایدئولوژی سیاسی - مذهبی کاری نداشتند و بیشتر به فعالیت‌های خیریه و ترویج ارزش‌های اسلامی اشتغال داشتند. (بیشتر اعضا از بازاریان تهران بودند)

• روحانیت مبارز:

○ خواستار حرکت اصلاحی بودند و می‌خواستند علاوه بر نشان دادن تصویری انقلابی از اسلام از وضعیت سیاسی - اجتماعی موجود نیز انتقاد می‌کردند.

○ دگرگونی و انقلاب بیرونی را متوقف بر انقلاب درونی انسان می‌دانستند.

○ رویکردها در میان روحانیت:

▪ دورماندن از سیاست با توجه به تجربه تاریخی نهضت نفت و مشروطه

▪ عدم جواز تشکیل حکومت در عصر غیبت

▪ انتقاد از دونظریه قبلی و اتهام آنان به عافیت‌طلبی و اعتقاد به این که تحول درونی

زمینه‌ساز تحول بیرونی می‌شود؛ گرایش‌های اخباری‌گری را به باد انتقاد می‌گرفتند

و خواستار تحول جدی در حوزه‌ها بودند و برنامه تحصیلی حوزه را نامناسب می‌دیدند؛ به دفاع از اسلام در برابر رقیبانی مانند مارکسیسم و لیبرالیسم می‌پرداختند (اصول فلسفه و روش رئالیسم)؛ همه پیامبران برای تشکیل حکومت قیام کرده‌اند؛ اسلام دارای آرمان‌ها اجتماعی است و یک مکتب است و ایدئولوژی دارد.

○ تحلیل جنبش اسلامی و عوامل شکست آن:

- فاصله گرفتن روحانیت از مسائل روز و جامعه
- کید استعمارگران و استبداد داخلی
- عدم انسجام در برنامه‌ها

○ تشکیل جمعیت سری برای اصلاح جامعه با حضور تعدادی از جمله آقایان خامنه‌ای،

هاشمی رفسنجانی، مشکینی، مصباح یزدی، قدوسی و ...

○ حضور در نشریات عامه‌پسند مانند درس‌هایی از مکتب اسلام و مکتب تشیع

○ حضور در مراکز آموزشی مانند دبیرستان‌ها به‌عنوان معلم دینی و عربی و برپایی کلاس‌های

تفسیر قرآن

○ رهبری انقلاب فاقد تشکیلات منسجم بود و شبکه‌ای از طرفداران امام انقلاب را

می‌چرخاند ولی در آستانه انقلاب جامعه روحانیت مبارز شکل گرفت و نقش بازوی انقلاب را

بر عهده داشتند.

○ جامعه روحانیت در تهران به ۸ منطقه تقسیم شد و هر منطقه یک مسجد پایگاه مبارزاتی بود.

اعلام موجودیت این جریان به دادن تلگرافی به امام در پی شهادت حاج آقا مصطفی

برمی‌گردد. بخش عمده‌ای از برنامه‌ریزی راهپیمایی‌ها و سخنرانی‌ها در مساجد، اعتصابات،

یادبود و گرامیداشت شهدا، اعلام عزای عمومی و ... به جامعه روحانیت مربوط می‌شود.

○ جامعه روحانیت برخلاف گروه‌های مبارزاتی دیگر از رهبر واحد و تشکیلات منسجم برخوردار

بود و تشتت و انشعاب در آن وجود نداشت.

○ نقش ویژه در شورای انقلاب و هماهنگی برای ورود امام به ایران در قالب تشکیل ستاد

استقبال.

سؤالات:

۱. دلایل اجتماعی - سیاسی نهضت ملی شدن صنعت نفت را شرح دهید.

۲. علل گرایش به امریکا در دوران پهلوی دوم را شرح دهید.

۳. زمینه‌های اجتماعی - سیاسی بروز کودتای ۲۸ مرداد را شرح دهید.

فصل هشتم: رخداد انقلاب اسلامی و تشکیل نظام جمهوری اسلامی

۱. دوره بی‌ثباتی داخلی

۱. تصویب قانون اساسی

۲. اشغال لانه جاسوسی امریکا

- هدف اعلام شده: استقبال امریکا از شاه ایران
- حمایت عمومی و مردمی از این اقدام و مخالفت لیبرال‌ها و التقاطی راست‌گرا از این اقدام
- امام با مدیریت بحران گروگان‌گیری توانست امریکا را تحقیر کند و امریکا جایگاه بین‌المللی خود را از دست داد و شکستن ابهت امریکا دستاورد این حادثه بود.
- پیامدهای داخلی:

(۱) شفاف شدن مواضع گروه‌ها:

- پایان دادن به حاکمیت لیبرال‌ها و میانه‌روها و این سبب شد انقلاب در همان ابتدا از افتادن در یک روش و اندیشه غلط حفظ شود.
- مرحله اول: حمایت همه گروه‌ها از این اقدام به دلیل حمایت امام
- مرحله دوم: با آغاز افشاگری‌ها گروه‌های مختلف عکس‌العمل متفاوتی داشتند.
- مرحله سوم: انتقاد از این اقدام توسط برخی گروه‌هایی که ابتدا حمایت کردند.

(۲) تثبیت خط امام:

- نیروهای اصیل انقلابی برای پیشبرد اهداف انقلاب با مشکلاتی روبرو بودند که تسخیر لانه جاسوسی موجب حل آن شد.
- بخشی از اسناد لانه جاسوسی به بررسی عملکرد نیروهای خط امام پرداخته بود که ناشی از مخالفت حقیقی با امریکا و ثبات قدم در مبارزه با امریکا بود و جایگاه اجتماعی این گروه‌ها را در جامعه ارتقا داد.

(۳) تقویت همگرایی ملی و رفع خودباختگی: اتحاد و انسجام نیروهای متعهد و حزب‌اللهی

برای مقابله با تهدید بزرگتر و امریکا که خطر آن رو به فراموشی بود در اذهان زنده شد.

(۴) **قرارداد الجزایر:** باعث بسته شدن پرونده گروگانگیری شد و به موجب آن در قبال آزادی

گروگان‌ها، امریکا متعهد می‌شود:^۷

- آزاد گذاشتن تمام سرمایه‌های ایران
- لغو تمامی ادعاهای امریکا علیه ایران
- تضمین عدم دخالت سیاسی و نظامی در ایران
- بازپس دادن اموالی که شاه به سرقت برده برد
- عدم دخالت در امور ایران
- لغو تحریم‌ها

۳. ظهور و استعفای بازرگان:

- بازرگان فردی میانه‌رو بود و به اصلاحات دموکراتیک و سیاست گام‌به‌گام اعتقاد داشت، درحالی‌که جامعه ایران مملو از هیجانات انقلابی بود.
- تفاوت دیدگاه بازرگان با نیروهای خط امام سبب بروز اختلافات در عرصه مدیریتی شد.
- عوامل استعفا و سقوط بازرگان و دولت موقت:

- (۱) بی‌توجهی به فضای انقلابی حاکم بر کشور
 - (۲) ناهماهنگی با ارزش‌های اسلامی
 - (۳) ناهمسویی با نهادهای انقلابی
 - (۴) تفاهم نداشتن با رهبری انقلاب
 - (۵) نخبه‌گرایی به‌جای توده‌گرایی
 - (۶) همکاری نکردن روحانیت و نیروهای مذهبی با دولت موقت
 - (۷) اختلاف با شورای انقلاب
 - (۸) اختلاف نظر میان اعضای دولت موقت نسبت به اشغال سفارت امریکا
- دولت بازگان دولت دوران انقلاب نبود.

۴. توطئه ضدانقلاب:

- تجزیه

(۱) کردستان: دو گروه دموکرات و کومله رهبران نزاع بودند؛ کومله ایدئولوژی مائویستی و دموکرات ایدئولوژی کمونیستی و خواهان خودمختاری بود و بر اختلافات مذهبی تأکید می‌کردند، اعزام هیئت حل اختلاف ۳ نفره به منطقه که حاصلی نداشت و این دو گروه اکثر شهرهای کردستان را اشغال کردند.

۷. استرداد شاه به دلیل فوت وی از لیست درخواست‌های ایران حذف می‌شود.

- (۲) خوزستان: بهره‌برداری از زبان و نژاد عربی، فاقد ایدئولوژی و صرفاً دست به خراب‌کاری زدند مانند خرابکاری در تأسیسات نفتی.
- (۳) ترکمن‌صحرا: کانون فعالیت گروه‌های چپ، که پس از حضور نیروهای انقلاب فتنه خاموش شد.
- (۴) بلوچستان: مواد مخدر، راهزنی و شرارت و نفوذ وهابیت.
- (۵) حزب توده: نقش منفی در جریان ملی شدن صنعت نفت، پس از انقلاب به اقداماتی دست زدند که در سال ۱۳۶۲ به دنبال نفوذ در ارتش همه اعضای آن دستگیر شدند.
- (۶) سازمان چریک‌های فدایی خلق: مشی مسلحانه داشت و ایدئولوژی التقاطی اسلام و مارکسیسم داشت، با اعلام عزل بنی‌صدر اعلام جنگ مسلحانه کردند.

• کودتا:

- (۱) در تاریخ ایران، دو کودتای با حمایت خارجی وجود دارد:
 - کودتای رضاخان با هدایت آبرونساید انگلیسی
 - کودتای ۲۸ مرداد با هدایت امریکا و انگلیس و شخص روزولت
- (۲) کودتاهاى مربوط به انقلاب اسلامى
 - کودتای امریکایی نزدیک به پیروزی انقلاب اسلامی به مدیریت هایزر
 - کودتای حزب توده با هدایت شوروی در سال ۱۳۶۲ که قبل از انجام اعضای حزب دستگیر شدند.
 - کودتای نوزده که بسیار دقیق بود و به آن امید بسته بودند اما خنثی شد. ۱۳۵۹
 - کودتای دیگری به رهبری قطب‌زاده در ۱۳۶۱ که آن نیز خنثی شد.

• ترور:

- (۱) موج اول: گروه فرقان که مطهری، قرنی، مفتاح، قاضی طباطبایی و عراقی را اعدام انقلابی کردند.
- (۲) موج دوم: پس از عزل بنی‌صدر و انفجار دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی و دفتر نخست‌وزیری.

• تجاوز:

- (۱) عملیات طیس: به بهانه آزادی گروگان‌ها که ناکام ماند.
- (۲) تجاوز عراق: هدف اولیه تشکیل دولت ایران آزاد در خوزستان بود.

۵. روشن‌فکری:

- اثری از آن در این دوره نیست و تا پایان جنگ در انزوا قرار دارند.
- پس از فروپاشی شوروی تنها وجه روشن‌فکری لیبرالیستی بود.

• جریان‌های لیبرال:

- (۱) لیبرال‌های تئوریک
- (۲) لیبرال‌های پراتیک (بازوی لیبرال لائیک هستند)
- (۳) لیبرال‌های ژورنالیست

• جریان‌های لیبرال:

- (۱) لیبرال لائیک: دین را قبول ندارند.
- (۲) لیبرال مسلمان: تفسیر دین مطابق با مدرنیسم (نهیضت آزادی: بازرگان و طالقانی؛ حضور در دولت موقت، پس از آن حمایت از بنی‌صدر، اعتراض به لایحه قصاص، اکنون: منزوی و یا در خارج کشور)

۲. دوره دفاع مقدس

- اغلب تحلیلگران خارجی علت جنگ را اختلافات ارضی و مرزی می‌دانند که محل تأمل است: قبل از پیروزی انقلاب نیز اختلاف مرزی وجود داشت ولی روابط گرم و حسنه بود، باید گفته شود **مهار انقلاب ایران** علت اصلی جنگ بود.
- با اعلام لغو قرارداد ۱۹۷۵ الجزائر از سوی عراق و اینکه عراق برای ایران در ارون‌دود حقی قائل نیست، جنگ آغاز می‌شود.
- عوامل پیشروی اولیه و سریع عراق:
 - (۱) سازماندهی و تدارک دقیق نیروهای عراقی
 - (۲) اطمینان از پشتیبانی ابرقدرت‌ها و کشورهای منطقه
 - (۳) حضور نیروهای ارتش برای مقابله با گروه‌های ضدانقلاب در مناطق دیگر
 - (۴) عدم همکاری بنی‌صدر با نیروهای نظامی
- جنگ ۸ ساله نخستین جنگ در سطح بین‌الملل بود که ماهیت ایدئولوژیکی داشت؛ یک طرف حق کامل و طدف دیگر باطل کامل.

۳. دوران سازندگی

- بحث از عدالت و رابطه آن با توسعه اقتصادی و سیاسی از بحث‌های مهم بود و برخی توسعه اقتصادی را مقدم بر عدالت اجتماعی می‌دانستند. ضرورت بازسازی و سازندگی پس از جنگ روشن است، اما پیامدهای توسعه اقتصادی به این شرح است:
۱. عدم پاسخ مناسب به نیازهای مردم به موازات رشد باسواد، افزایش تعداد مراکز دانشگاهی، تغییر سلیقه‌های فرهنگی، افزایش انتظارات و درخواست‌ها.

۲. سیاست تعدیل: به دلیل استقراض از صندوق بین‌المللی پول، که مبتنی بر اصالت فرد و حداکثرسازی سود فردی بود که لازمه‌اش افزایش نابرابری و فقر بوده است.
۳. کاهش ارزش پول ملی به دلیل آزادسازی تجارت و تشویق سرمایه‌داران به تولید کالاهای صادراتی؛ سیاست تعدیل و آزادسازی منجر به افزایش واردات و افزایش تورم و نابرابری شد.
۴. سیاست تعدیل نهاد را دچار فرسایش کد و اقتصاد استکباری را که در رژیم گذشته نهادینه شده بود را تداوم بخشید. موجب شکل‌گیری طبقه جدیدی از سرمایه‌داران و فاصله طبقاتی شد.
۵. عوارض منفی: رانت‌خواری، ثروت‌های بادآورده، افزایش نقدینگی دستاوردهای این دوره را تحت‌الشعاع قرار داد.^۸
۶. مشکلات فرهنگی که مقام معظم رهبری از آن به تهاجم فرهنگی تعبیر کردند از این دوران آغاز شد که بنیان‌های دینی را هدف قرار داده بود که در بدنه مدیران دولتی نیز نفوذ کرده بود و ناشی از ظهور مجدد جریان روشن‌فکری بوده است؛ محورهای فعالیت جریان روشن‌فکری (بحران‌های جریان روشن‌فکری) عبارت است از:

- ۱) چالش کشیدن نظریه ولایت فقیه
- ۲) چالش کشیدن مشروعیت نظام
- ۳) القای ناسازگاری حکومت دینی و برتری دموکراسی غربی
- ۴) آزادی غربی و این که دین آزادی را منکر است
- ۵) تأکید بر جامعه مدنی و هویت‌زدایی اسلامی
- ۶) تلاش برای سکولاریزاسیون
- ۷) تأکید بر تعارض سنت و مدرنیسم (مشوه کردن سنت و موجه نشان دادن مدرنیسم)

۴. دوره اصلاحات

- **خاستگاه نظری:** اصلاح در مقابل افساد است و واژه‌ای ارزشی است و با پلورالیسم ناسازگار است، زیرا هرچه صلاح است باید اخذ شود و باید معتقد شد که ارزش مطلق وجود دارد که ممکن الحصول است و تابع سلايق و امیال نیست و هرچه مقابل آن است افساد است؛ بر اساس پلورالیسم تعریف اصلاح و افساد ممکن نیست و تنها می‌توان گفت اصلاح یک گروه به آن است که خود آن گروه می‌خواهد و این مبتنی بر نسبی‌گرایی غربی است.
- **نقد و ارزیابی:**

- ۱) مبنای نظری دوم خرداد نظریات معرفت‌شناختی و علوم سیاسی غربی بود و تصور کردند که مردم برای تغییر قدرت را به آن‌ها سپرده‌اند؛ در حالی که این اندیشه‌ها با فرهنگ جامعه ما هم‌خوانی ندارند؛

۸. نیکی کدی، نتایج انقلاب ایران، ص: ۵۹

نظریه توسعه سیاسی برآمده از اندیشه‌های لیبرالی و سرمایه‌داری است که در عمل قائل به جدایی دین از سیاست هستند.

۲) روشن‌فکری دینی که پس از پیروزی انقلاب بروز کرد، دارای مبانی پلورالیستی و هرمنوتیکی بود و قائل به تفکیک دین و معرفت دینی بود، معرفت دینی حاصل تجربه افراد در شرایط زمانی و مکانی مختلف است و بر این اساس هیچ معرفت حقیقی وجود ندارد و معرفت را نمی‌توان آسمانی و زمینی یا دینی و غیردینی دانست؛ بلکه باید گفت آموزه‌های دینی با آموزه‌های تمدن عقلانی جدید ناسازگار است؛ این نگاه دارای این نتایج منفی می‌باشد:

- دورکردن دین از اجتماع و سیاست (مبنای معرفتی سکولاریزاسیون)
 - دین اقلی و فردی
 - دین به روحانیت اختصاص ندارد و آنان متولیان اختصاصی آن نیستند
 - مدیریت اجتماعی و سیاسی یک حرفه تخصصی است و باید از دسترس روحانیت خارج شود
 - فقه باید بر اساس عقل جدید هماهنگ شود
- ۳) ابهام در معنای دوم خرداد:

- برخی آن را انقلاب می‌نامیدند که هدفش سکولاریزه کردن جامعه ایرانی است،
 - برخی آن را نوگرایی دینی می‌دانستند و در پی انقلابی مسالمت‌آمیز بودند،
 - برخی خواهان اصلاحات فراتر از مرزهای قانون اساسی بودند.
- ۴) اصرار بیش از حد بر معنای غربی جامعه مدنی و اینکه شهروندان حق جعل قانون دارند و عدم توجه به معنای اسلامی آن

۵) عدم توجه به شعار قانون‌مدار که خودشان مطرح کرده بودند، بعد از یأس از استحاله بنیادین به خود قانون حمله کردند و قانون اساسی را ناسازگار با حقوق بشر دانستند.

۶) هدف اصلاحات مانند جنبش اصلاح‌طلبی اروپا کنارگذاشتن دین از سیاست بود و بر آزادی و تعدد قرائت‌ها تأکید می‌کرد و به این منظور در روزنامه‌ها و مطبوعات به فرهنگ و ارزش‌های دینی حمله کردند.

۷) هدف مجلس ششم عبور از نظام و قانون اساسی و ولایت فقیه عنوان شده بود و در این قالب، افراطی‌گری و حریم‌شکنی، غفلت از اقتصاد و خواسته‌های ملموس مردم و در یک کلام به‌جای توسعه معیشت ملت اسباب توسعه طبقه جدید را فراهم کرده بودند.

۵. گفتمان عدالت

- مشاهده آثار نامطلوب توسعه اقتصادی و سیاسی سبب شد گفتمان عدالت ظهور کند.
- عدالت یکی از ارکان جامعه اسلامی و گفتمان امام بود و اقامه عدالت و نفی سلطه از اصول اساسی آن است.

- مقام معظم رهبری دهه چهارم انقلاب رادهه پیشرفت و عدالت نامیدند و از رویکرد عدالت‌محور دولت بارها تمجید کردند.

فصل نهم: آسیب‌شناسی انقلاب اسلامی ایران

۱. کلیات

۱. واژه آسیب از علوم پزشکی به علوم اجتماعی وارد شده است و به معنای مطالعه علل بیماری و عوارض غیرعادی است؛ آسیب‌ها از بی‌نظمی و اختلال ساختاری و فکری ناشی می‌شوند.
۲. دوران ترمیدور: بریتون در کالبدشکافی چهار انقلاب با مطالعه انقلاب فرانسه معتقد است همه انقلاب‌ها از سه مرحله گذر می‌کنند:
 - أ. حکومت میانه‌روها: همان مخالفان قدیم هستند که بیش از دیگران خواهان سازش با رژیم گذشته هستند.
 - ب. حکومت رادیکال‌ها (انقلابیون تندرو): منتقد ضعف و دودلی میانه‌روها هستند و با شعار شتاب انقلاب به سرنوشت انقلاب و خودشان پایان می‌دهند.
 - ج. دوران ترمیدور (کودتاگران): معانی مختلفی دارد: برخی آن را واکنشی علیه انقلاب می‌دانند که طبقات قدیم به‌نحوی به قدرت بازمی‌گردند و برخی آن را فروکش کردن تب انقلاب می‌دانند که در دوران رادیکال‌ها آغاز شده است؛ خصوصیات کلی دوران ترمیدور عبارت است از: کاهش سخت‌گیری دوره انقلاب، رهایی حوزه خصوصی زندگی مردم از نظارت حکومت، غیرسیاسی شدن مردم. بریتون می‌گوید: ترمیدور یعنی نقاوت پس از فرونشستن تب انقلاب.
۳. فراز و فرود تمدن‌ها از منظر ابن‌خلدون: هر تمدنی دارای ۳ دوره است:
 - أ. دوره ظفر و قدرت،
 - ب. دوره تجمل و فراغت،
 - ج. دوره اسراف و انحطاط.در دوره اسراف و انحطاط، عصبیت - که منشأ حیات اجتماعی است - از بین می‌رود.
۴. آسیب‌شناسی انقلاب در سه رویکرد:
 - أ. مارکسیستی: انقلاب یعنی گذر از مرحله فئودالی به مرحله سرمایه‌داری و سپس سوسیالیستی.

ب. لیبرالی: رویکرد منفی به انقلاب دارند و خواهان حفظ وضع موجود هستند و بر اصلاحات به جای انقلاب تأکید می‌کنند؛ ثبات سیاسی را تعادل میان ارزش‌ها و محیط اجتماعی می‌دانند که در صورت ورود آسیب به یکی از این دو حوزه، ثبات و تعادل سیستم مخدوش می‌شود.

ج. اسلامی: انسان در سلوک فردی چون مختار است توان پیشرفت یا عقب‌گرد را دارد، دگرگونی‌های اجتماعی نیز اینگونه هستند، لزوماً سیر صعودی ندارند و نیز لزوماً دچار ترمیدور نمی‌شوند و این به اراده انسان بازمی‌گردد.

۲. آسیب‌شناسی

الف. آسیب‌شناسی درونی

۱. **خلأ تئوریک:** محک خوردن تئوری‌های مختلف در عرصه مدیریت کلان کشور مانند اقتصاد سوسیالیستی دولت موقت، اقتصاد سرمایه‌داری دوران سازندگی و توسعه اقتصادی و سیاسی مبتنی بر نظریات غربی در دوره اصلاحات که خود این سیاست‌ها مشکل‌زا بودند زیرا استفاده از نرم‌افزار غربی مهم‌ترین آفت است. توسعه سیاسی - اقتصادی دارای دو الگو است: یکی ملهم از منابع اسلامی و دیگری متکی بر عقل خودبنیاد بشری. دشمنان با درک معضل خلأ تئوریک اقدام به امور زیر کردند:

- ناکارآمدی دین در مملکت‌داری و مدیریت جامعه
- تردید در جامعیت دین و القای جدایی دین از سیاست
- جدایی دانش از ارزش و عدم ورود ایدئولوژی به سیاست

۲. **اختلاف و تفرقه:** امام علی (علیه السلام) راز تداوم انقلاب را دوری از تفرقه می‌دانند؛ ابن‌خلدون عصیت را عامل اعتلای یک ملت می‌داند و عصیت به مثابه رشته مشترکی، خانواده ملت را به هم پیوند می‌دهد، امام خمینی اتحاد و اختلاف را رمز پیروزی یا شکست حکومت‌ها می‌داند و با تفرقه موفقیت‌های موجود نیز از بین می‌رود، نسبت به اصول ملی باید وفاق وجود داشته باشد و اختلاف در جزئیات هم طبیعی و ناگزیر است، اهتلاف راهی برای بازگشت اجانب است و آن را مغرضانه می‌دانند، اختلافات قومی، نژادی و زبانی موجود در ایران سبب می‌شود که تنها عامل اتحاد را اسلام بدانیم.

۳. **بی‌توجهی به پیشرفت بینش سیاسی:** پیشرفت بینش سیاسی - که با تأمل در تاریخ معاصر ایران حاصل می‌شود - سبب تداوم انقلاب و در مقابل سطحی‌نگری از آفت‌های انقلاب است. امام خمینی از دل‌سردی و بی‌اعتنایی به انقلاب نهی می‌کنند و یأس را آفت انقلاب می‌دانند و معتقدند دستگاه تبلیغاتی دشمنان با بزرگنمایی مسائلی که به ضرر ایران است و کوچک کردن مسائلی که به نفع ماست سعی در دل‌سرد کردن مردم دارند.

۴. **محبوس ماندن انقلاب در کشور:** عدم صدور انقلاب آفت است، نهضت نباید در ایران راکد بماند، دشمنان سعی دارند که شعله انقلاب در مراکز وابسته به خودشان مشتعل نشود، امام بر ضرورت صدور ارزش‌های انقلابی و بیدارسازی ملل تأکید دارند.
۵. **غفلت از هدف و انگیزه الهی:** فارق انقلاب اسلامی با دیگر انقلاب‌ها همین انگیزه الهی است و یکی از عوامل شکست انقلاب، تقلیل اهداف نهضت به اهداف مادی است.
۶. **دنیا طلبی:** دنیا طلبی رابطه معکوس با رعایت و اهتمام به ارزش‌های انقلابی دارد، ظهور طبقه نوکیسه (مترفین) با استفاده از امکانات عمومی که رفاه اکثر جامعه را دچار اختلال می‌کند و مظاهر اشرافی‌گری را نمایان می‌سازد، از نظر قرآن عامل سقوط است.
۷. **استحاله فرهنگی:** تحول درونی سبب تحول بیرونی می‌شود، همان‌گونه که تحول درونی و توجه به ارزش‌های معنوی و اسلامی سبب پیدایی انقلاب اسلامی شده است، توجه به فرهنگ‌های مادی و غربی سبب تحول درونی و در نهایت زوال حالت انقلابی می‌شود. این از طریق نفوذ افراد با گرایش‌های غربی به دانشگاه‌ها و مراکز حساس مانند مجلس و حوزه‌های علمیه و نیروهای مسلح و ... محقق می‌شود.
۸. **جدایی حوزه و دانشگاه:** مدرسه و دانشگاه محل تربیت نسل آینده است و مورد هجمه فرهنگ بیگانه قرار گرفته است و در مقابل هم بحث اسلامی کردن دانشگاه مطرح می‌شود.
۹. **تضعیف رهبری:** استحکام نظام اسلامی طبق قانون اساسی وابسته به اصل ولایت فقیه است و تا مادامی که خدشه‌ای به این اصل وارد نشود براندازی ممکن نخواهد بود. القای شبهات وسیله تضعیف رهبری است مثلاً اینکه ولایت فقیه ریشه محکم فقهی و تاریخی ندارد!
۱۰. **تضعیف اندیشه و روحیه انقلابی:** ترویج اینکه انقلابی‌گری به معنای هرج و مرج است در حالی که انقلابی‌گری یعنی حفظ روحیه عصیان در برابر زشتی‌ها و اخلاق ناپسند. دست برداشتن از روحیه انقلابی‌گری زمانی موجه است که دشمن دست از تمام اقدامات خصمانه خود بردارد و ما به این قطع پیدا کنیم.
۱۱. **فدا کردن حق برای مصلحت:** این همان اباحه و توجیه وسیله برای رسیدن به هدف است.
۱۲. **نفوذ فرصت‌طلبان در انقلاب:** گروهی که به دنبال رسیدن به منافع شخصی یا گروهی خود هستند و نمونه آنان در انقلاب مشروطه نیز مشاهده شده است.

ب. آسیب‌های بیرونی

- انقلاب‌ها از خارج مرزها تهدید می‌شوند: کشورهایی که شرایط اجتماعی یکسان با کشور انقلابی دارند از ترس سرایت انقلاب به کشورهای متبوع‌شان، علیه کشور انقلابی دست به اقدامات تخریبی می‌زنند و این پس از انقلاب فرانسه و شوروی به تجربه درآمده است.

- اشکال مختلف: ایجاد تفرقه و آشوب، کودتا، تحریم، حمله نظامی. مهم‌ترین راهکار در مرحله سوم تکامل انقلاب، جلوگیری از شکل‌گیری تمدن جدید برپایه اصول انقلاب است؛ یعنی بعد از ناامیدی از نابودی اصل انقلاب، از تبدیل شدن انقلاب به کشوری متمدن و سرایت الگوی آن کشور به دیگر مناطق جلوگیری می‌کنند.
- راه‌های مقابله با انقلاب ایران:
 - براندازی آشکار: اقدامات تخریبی جاسوسی، کودتا، جنگ، محاصره و تحریم اقتصادی.
 - براندازی پنهان: رخنه در حوزه‌های علمیه و روحانیان، نفوذ در روشنفکران، الگوسازی و فرهنگ‌سازی برای جوانان، ترویج ابتذال، ترویج استفاده از فناوری‌های جدید.
- **تهاجم فرهنگی Cultural invasion**: پس از جنگ تحمیلی و ناکارآمدی دیگر راه‌های مقابله با ایران در دستور کار دشمنان قرار گرفت.
 - تعریف: فعالیت برنامه‌ریزی شده حاملان هر فرهنگ در جهت از هم پاشیدن فرهنگ جامعه هدف
 - ادبیات تهاجم فرهنگی: شرق‌شناسی، جامعه‌شناسی، تاریخ، فلسفه و همه علوم و فنون.
 - تاریخچه آن به قبل از مشروطه بازمی‌گردد.
 - فرق آن با نفوذ و تعامل فرهنگی: در تهاجم فرهنگی، سلطه‌جویی و تخریب ارزش‌های بومی و ملی وجود دارد.
 - تطور شیوه‌های تهاجم فرهنگی در حال حاضر باتوجه به پیشرفت وسایل ارتباط جمعی
 - اختلال در روند اجتماعی کردن میراث فرهنگی کشور که سبب از دست دادن هویت ملی می‌شود و در چنین جامعه‌ای با در دست داشتن ابزار رسانه‌ای می‌توان ارزش‌های دلخواه را به آن جامعه تزریق کرد و نتیجه آن فروپاشی نظام سیاسی است.
- **القای جنگ روانی:**
 - دو کارکرد مهم انقلاب اسلامی:
 - خدشه‌دار کردن مرجعیت جهانی و بین‌المللی غرب
 - ناکارآمدی دانش غربی در تبیین پدیده‌های اجتماعی به‌ویژه انقلاب
 - اقدامات غرب:
 - استفاده از رسانه برای ایجاد جنگ روانی علیه ایران
 - انقلاب، بیماری است و دین، افیون است و ولایت فقیه، توتالیتار است.
- **فشارهای بین‌المللی و تحمیل استانداردهای غربی:** منزوی و منفعل کردن انقلاب اسلامی از طریق فشار و تحمیل استانداردهای غربی با طرح موضوعاتی مانند حقوق بشر و تروریسم.

فصل دهم: انقلاب اسلامی و معضلات فراروی آن

۱. رابطه ایران و امریکا

- نخستین ارتباط ایران و امریکا به سال ۱۸۳۳م بازمی‌گردد و به صورت اعزام مسیونر مذهبی برای تبلیغ مسیحیت بوده است.
- پس از آن تا کودتای ۲۸ مرداد بیشتر به دنبال کسب نفوذ و استقرار سلطه خود بر ایران بوده است و پس از کودتا در پی تعمیق سلطه خویش بر ایران و حمایت همه‌جانبه از رژیم پهلوی بوده است در قالب‌های: مستشاران نظامی و اقتصادی، صادرات کالاهای تجاری و نظامی.
- دکترین نیکسون: ایران و عربستان دو ستون امریکا برای تعادل بخشی منطقه و مقابله با نفوذ شوروی در منطقه هستند.
- سقوط پهلوی جدی‌تری ضربه بر امریکا پس از جنگ ویتنام بوده است و برای جبران آن به کودتا، حمله نظامی، تحریک جریانات و حمایت از صدام دست زد.
- دو اندیشه سیاسی وجود دارد: اندیشه سیاسی انقلاب اسلامی بر پایه اصول اسلامی و اندیشه سیاسی غربی لیبرال.
- اصول سیاست خارجی انقلاب اسلامی:
 - اصل نفی سبیل
 - تلاش در جهت امت واحد جهانی
 - حمایت از مستضعفان
 - صدور انقلاب: صرفاً نشر اندیشه انقلاب و آرمان‌ها و ارزش‌های منبعث از اسلام
- سیاست کنونی امریکا در قبال ایران:
 - تضعیف توان ملی ایران
 - نابسامان جلوه دادن آن نزد جهانیان
 - حمایت از مخالفان جمهوری اسلامی
 - تلاش برای انزوای بین‌المللی ایران
 - مخالفت با دستیابی ایران به فناوری‌های پیشرفته

- امریکا باتوجه به تجربه فروپاشی شوروی کوشیده است آن را در مورد ایران پیاده کند:
 - تعمیق اختلافات داخلی
 - ترویج مظاهر زندگی غربی
 - سرمایه‌گذاری در مطبوعات و نشریه‌های حامی فرهنگ غرب
 - تهاجم فرهنگی و تخریب مبانی اعتقادی و ارزش‌های اسلامی
 - ابهام‌زایی در تعیین مصداق دوست و دشمن و مثبت و کارآمد جلوه دادن برقراری رابطه با امریکا
 - نفی دستاوردهای مثبت جمهوری اسلامی
 - تلاش در جهت سکولاریزاسیون

۲. جهانی شدن

● عوامل:

- رشد تجارت جهانی و شرکت‌های فراملیتی،
- رشد سرمایه‌گذاری‌های مالی،
- انقلاب تکنولوژیکی،
- فروپاشی شوروی،
- رشد فناوری‌های مخابراتی.

● تعاریف:

- فرآیند فشردگی زمان و فضا که با آن مردم دنیا به‌صورتی نسبتاً آگاهانه در جامعه جهانی ادغام می‌شوند. مصادیق این فرآیند عبارت است از:
 - کاهش هزینه‌های زمانی و مکانی ارتباطات و حمل‌ونقل
 - فرسایش مرزها و دیگر عوامل محدود کننده اجتماعی
 - افزایش وابستگی متقابل انسان‌ها در سطح جهان
 - همسانی ساختاری و نهادی جوامع مختلف
- جهانی‌شدن مترادف با غربی‌شدن است: کشورهای غربی قصد دارند تا فرهنگ و خصوصیات ارزشی بومی خود را از بین ببرند و فرهنگ غربی را تحمیل کنند. (گیدنز، جهانی‌شدن را از پیامدهای مدرنیته غربی می‌داند)
- حرکتی که از مدت‌ها قبل در فرآیند ارتباط کشورها آغاز شده و حاصل اراده یک یا چند کشور نیست و باید با افزایش قدرت داخلی به‌عنوان فرصت از جهانی‌شدن استقبال کرد.
- مخاطرات جهانی‌شدن برای جهان اسلام:
 - فساد فرهنگی و اخلاقی

- سلطه بیشتر نظام سرمایه‌داری و تشدید بحران‌های بین‌المللی
- تشدید فاصله طبقاتی
- سلطه دولت‌های ضد مردمی بر جهان سوم
- جهانی‌شدن اندیشه‌های متعارض با اسلام
- فرصت‌های جهانی‌شدن برای جهان اسلام:
 - امکان برقراری ارتباط با افراد علاقه‌مند به شناخت اسلام در سرتاسر جهان
 - پاسخگویی به شبهات و دفاع از اسلام
 - تحت تأثیر قرار دادن جریان‌های معارض و حمایت از جنبش‌های اسلامی
 - استفاده از امکانات علمی برای جبران عقب‌ماندگی‌ها
 - زمینه‌سازی برای مطرح کردن حکومت جهانی حضرت حجت (عج)

۳. مردمسالاری دینی

● مفهوم دموکراسی:

- ارزش و فلسفه زندگی: دموکراسی شیوه زیستن است و دربردارنده ارزش‌های مدرنیته غربی است. تعریف: دموکراسی عبارت است از شکلی از حکومت که مطابق با اصول حاکمیت مردم، برابری سیاسی، مشورت با همه مردم و حکومت اکثریت سامان یافته است. بنابراین،
 - فرهنگ‌های غیر غربی نمی‌توانند دموکراتیک باشند
 - تفسیر دموکراتیک از اسلام یعنی پذیرفتن دموکراسی غربی و همسان‌سازی آن با تعالیم اسلامی
 - ناسازگاری اسلام با دموکراسی غربی سبب مفهوم‌سازی و تولید نظریه مردمسالاری دینی می‌شود.
- روش: شیوه‌ای از حکومت که در پی حداقل‌سازی خطاهای مدیریت جامعه و حداکثرسازی مشارکت مردم در تصمیم‌گیری‌های سیاسی است.
- شکل حکومت: شکلی از حکومت است و در کنار اشکال دیگر حکومت یعنی فردی و گروهی قرار می‌گیرد.
- سوفسطایی‌گری، روح دموکراسی از آغاز تاکنون بوده است و مخالفانی مانند افلاطون و ارسطو داشته است. دموکراسی یونانی و دموکراسی معاصر اگر چه دارای تحول معانی بوده است اما مؤلفه واحدی دارد و آن سوفسطایی‌گری است.
- مبانی دموکراسی: اومانیسم، فردگرایی، مشروعیت مردمی، نسبی‌گرایی، آزادی و برابری.

● مردمسالاری دینی:

- مفهوم: با دموکراسی غربی تعارض دارد و به معنای: الگویی از حکومت است که بر مبنای مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی استوار بوده است و حاکم در چهارچوب مقررات الهی و حق‌مداری و خدمت‌محوری برای تعالی مادی و معنوی تلاش می‌کند.
- هدف مردمسالاری دینی:

- توصیف و درک واقعیت‌های سیاسی و نشان دادن نقاط ضعف
- داعیه راهنمایی دولت‌مردان و شهروندان را دارد
- قدرت پیش‌بینی در تدوین راهکارها

- خاستگاه مردمسالاری دینی

- بن‌بست نظری اندیشه دموکراسی غربی

- ۱- رواج ماشین‌سیسم و سیطره تکنولوژی بشر را از حقیقت خود دور کرده است
- ۲- استعمار نتیجه خودبنیادی بشر است
- ۳- خودبنیادی به منزله نفی واقعیت مطلق است و انسان را مشغول آزادی‌های موهوم می‌کند

- ۴- معضلات دموکراسی ماهیت فرهنگی دارد و انقلاب اسلامی هم ماهیت فرهنگی و ریشه‌های بحران دنیای معاصر نیز فرهنگ و اخلاق است

- بن‌بست عملی اندیشه دموکراسی غربی

- ۱- فردگرایی مانع از تحقق خیر جمعی و عمومی است
- ۲- احزاب سیاسی که زائیده دموکراسی است در خدمت نیازهای واقعی مردم نیستند
- ۳- حاکمیت از آن سرمایه است و دموکراسی حافظ سرمایه‌داران
- ۴- در دموکراسی حاکمیت در دست مردم نیست، بلکه در دست اقلیت سرمایه‌دار است

- ۵- مشارکت مردمی در انتخابات‌های کنونی کمتر از نصف است و این به معنای حکومت اکثریت نیست

- بحران معنویت و دین: مکاتب بشری و ایسمه جاذبه خود را از دست داده و اسلام به عنوان ایدئولوژی راهنما جای آن را گرفته است. قرن ۲۱ را قرن احیای دین و معنویت برشمرده‌اند. حادثه ۱۱ سپتامبر که با هدف اسلام‌ستیزی رخ داد سبب افزایش توجه به اسلام شد.

- شاخص‌های مردمسالاری:

- عدالت‌محوری
- مشروعیت الهی و مقبولیت مردمی

- ۱- رأی مردم همان بیعت صدر اسلام است: مشارکت سیاسی در اسلام جنبه مکتبی دارد و برای تحصیل رضای خداوند است؛ در صدر اسلام به دلیل جمعیت کم مشارکت از طریق بیعت بود و امروزه از طریق انتخابات
- ۲- حاکمیت انسان بر سرنوشت: از دیدگاه اسلام انسان بر سرنوشت خویش حاکم است إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ
- ۳- مسئولیت آفرینی آرای مردم: امام علی (علیه السلام) ۲۵ سال با این که از مشروعیت الهی برخوردار بودند ولی پس از بیعت مردم با ایشان امامتشان به فعلیت رسید

- توجه به خواست مردم: اقلاب حاصل اراده‌های مردمی است؛ اولین انقلابی که بر مبنای خواست دینی مردم به ظهور پیوست
- خدمت‌مداری: فارق دموکراسی غربی و مردم‌سالاری دینی همین است؛ شاخصه‌هایی که امام برشمردند:

- ۱- آشنایی با درد محرومان
- ۲- رفاه‌طلبی و ثروت‌اندوزی
- ۳- خاستگاه مردمی
- ۴- ساده‌زیستی
- ۵- الگوی دولت مردمی
- ۶- خدمت‌مداری، شرط تداوم مسئولیت حاکمان
- آزادی: اوج آزادی انقطاع الی الله است؛ ویژگی‌های آزادی:
 - ۱- یکی از حقوق فطری و طبیعی
 - ۲- نزد امام مفهومی بدیهی است (عدم الزام در گزینش‌ها)
 - ۳- تنها در حدود قانون
 - ۴- یکی بنیادهای قرآنی اسلام
 - ۵- مهم‌ترین نعمت برای یک ملت
 - ۶- امانتی الهی و وسیله آزمایش و ابتلا
 - ۷- ارزش حیات انسان
 - ۸- وسیله‌ای برای خدمت به خلق
 - ۹- قیام برای آزادی و حفظ انقلاب برای آزادی
 - ۱۰- آزادی برای اقلیت‌های مذهبی
 - ۱۱- آزادی بیان برای احزاب سیاسی

○ مقایسه مردم سالاری با دموکراسی غربی

مردم سالاری دینی	دموکراسی غربی
۱ حاکمیت اخلاق	کنترل جامعه از طریق نهادها
۲ غایت مند	بدون غایت
۳ خاستگاه الهی قانون	خاستگاه انسانی قانون
۴ مشروعیت الهی	مشروعیت مردمی (قرارداد اجتماعی)
۵ کثرت در وحدت (ابعاد کثرت را اسلام تعیین می کند)	کثرت گرایی
۶ آزادی محدود در چهارچوب اسلام	اصالت آزادی
۷ تلفیق سیاست و ارزش	تفکیک سیاست و ارزش
۸ خدمت گذاری به مردم	دولت رفاه
۹ آلی بودن قدرت	اصالت قدرت
۱۰ ریشه در سیره پیامبر و ائمه	ریشه در یونان باستان

۴. مسئله خاورمیانه

● پایه های سیاست امریکا درباره خاورمیانه:

○ نظریه برخورد تمدن ها

○ نظریه پایان تاریخ

○ لزوم فتح بیت المقدس به دست مسیحیان

● طرح خاورمیانه بزرگ: برتری جهانی امریکا با تشکیل خاورمیانه بزرگ از طریق ساقط کردن دولت ها با

استفاده از قدرت سخت افزاری؛ امریکا باید تا سال ۲۰۲۵ به اهداف خود در خاورمیانه با استفاده از گسترش

دموکراسی و حقوق بشر دست یابد

○ هدف: تشکیل خاورمیانه ای با همسویی با غرب از طریق تغییر استراتژی مبارزه با بنیادگرایی دینی به

مبارزه با تروریسم چتری برای صدور دموکراسی غربی و این به دلیل حساسیت ژئوپلیتیکی خاورمیانه و

مرکزیت نفت و گاز جهان است

○ اهداف اقتصادی:

۱- تسلط بر بازار تجاری منطقه

۲- کاهش هزینه های حضور امریکا در منطقه

○ اهداف سیاسی:

- ۱- کنترل بنیادگرایی
 - ۲- تأمین امنیت اسرائیل
 - ۳- مهندسی جدید خاورمیانه برای اهداف خود
 - ۴- ترویج دموکراسی‌های کنترل شده در منطقه
 - ۵- جلوگیری از دستیابی قدرت‌های منطقه‌ای به سلاح هسته‌ای
 - ۶- تغییر نقشه سیاسی خاورمیانه
- **خاورمیانه جدید:** تغییر خاورمیانه بزرگ به خاورمیانه جدید پس از شکس اسرائیل در جنگ ۳۳ روزه (تعدیل شده طرح خاورمیانه بزرگ)
 - اهداف:
 - ۱- تأمین امنیت اسرائیل و به رسمیت شناختن آن
 - ۲- کنترل صدور نفت و کاهش قیمت آن
 - ۳- مهار اسلام‌گرایی و ترویج اسلام سکولار و تقویت سلفی‌گری
 - دو نوع استراتژی:
 - ۱- تغییر رژیم از طریق ابزارهای سخت
 - ۲- بازسازی ساختار سیاسی کشورهای هم‌پیمان امریکا
 - **خاورمیانه اسلامی:**
 - زمینه‌های این طرح عبارتند از:
 - ۱- افزایش قدرت ایران
 - ۲- کاهش مقبولیت جهانی امریکا
 - ۳- دیپلماسی فعال ایران و نقش‌آفرینی محور مقاومت
 - ۴- برجسته‌شدن اسلام‌گرایی با پیروزی حماس در جنگ با اسرائیل و پیروزی اخوان المسلمین در انتخابات ریاست‌جمهوری مصر
 - مختصات طرح خاورمیانه اسلامی:
 - ۱- رویکرد کامل به اسلام برای اداره جامعه
 - ۲- اضمحلال دولت‌های مستبد و مرتجع منطقه
 - ۳- عقیق‌سازی نسخه دموکراسی غربی
 - ۴- چالش کشیدن هیمنه امریکا در منطقه
 - ۵- نابودی رژیم اسرائیل
 - ۶- افزایش قدرت ایران و تبدیل به ام‌القری اسلام
 - ۷- استفاده از اهرم نفت برضد سیاست‌های امریکا